

نبرد خلق

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

۱۲ صفحه - ۵۰ ریال

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)

دوره چهارم - سال پنجم
اول مرداد ماه ۶۸ - شماره ۶۱

درباره مسافرت رفسنجانی جنایتکار به اتحاد شوروی

روز ۲۰ خرداد امسال هاشمی رفسنجانی همراه با یکه هفت سیاسی، نظامی و دیپلماتیک وارد مسکو شد و از طرف مقامات عالی‌رتبه اتحاد شوروی مسوود استقبال قرار گرفت. این مسافرت و استقبالی که از آن شد، از جنبه‌های مختلف مورد توجه و دقت محافل و جریانات سیاسی داخلی و بین‌المللی قرار گرفت و تردیدی نیست که رژیم خمینی و دولت اتحاد شوروی از این مسافرت و مذاکرات مربوطه هر یک منافع و اهدافی را مورد نظر داشته‌اند که بررسی دقیق آن و شناخت هدف اصلی هر یک از طرفین برای جنبش انقلابی شورویست. رژیم خمینی در اطراف این مسافرت هیاهوی بسیار براه انداخت و با توضیحاتی که رفسنجانی و سایر گردانندگان رژیم در اطراف این مسافرت ارائه داده‌اند می‌توان به این حقیقت پی برد که در داخل رژیم این مسافرت و مذاکرات مربوطه با واکنش‌های پر قدرت منفی روبرو بوده است. رفسنجانی چندین بار در توضیحات خود گوشزد نمود که شخصی خمینی با نزدیکی به شوروی موافقت داشته و آنرا تشویق می‌نموده است. در اتحاد شوروی نیز از طرف محافل مطبوعاتی و بعضی از شورسین‌ها و کارشناسان مسائل خاورمیانه و مسائل بین‌المللی با نزدیکی اتحاد شوروی به رژیم خمینی مخالفت‌های قابل توجهی صورت گرفته و آنچه از این مخالفت‌ها تاکنون بطور علنی منتشر شده است، ابعاد مخالفت بعضی از کارشناسان و متخصصین شوروی با این نزدیکی را بخوبی نشان می‌دهد.

جیمز بیکر، وزیر امور خارجه آمریکا نسبت به فروش احتمالی تسلیحات نظامی شوروی به رژیم خمینی هشدار داد. همچنین مقاومت عادلانه و مردمی ایران پذیرایی مقامات اتحاد شوروی از جنایتکاری همچون رفسنجانی را محکوم نمود. بسیاری از مطبوعات و رسانه‌های خبری بین‌المللی و بعضی نیروهای که اهداف مشخصی را در اینگونه موارد در جهت مطامع غریب تعقیب می‌کنند و نیز بعضی از جریانات سازشکار ایرانی که افسانه ثبات رژیم را سر می‌دهند، در رابطه با این مسافرت به انحراف کوبی‌های بیشمار دست زدند، اما بهر حال نباید در مقابل این انحراف کوبی‌ها در مورد نتایج این مسافرت، به ساده اندیشی و کم‌توجهی دچار شد و نتایج آنرا برای طرفین بسیار ناچیز قلمداد کنیم. زیرا بهر حال این مسافرت صورت گرفته و برای طرفین دستاوردهایی داشته که بهترین ساله در رابطه با آن شناخت دستاورد اصلی هر یک از طرفین و این مساله که آنها برای رژیم خمینی و اتحاد شوروی جنبه اقتصادی و سیاسی آن، اهمیت درجه اول داشته است؟ برای این باید از لایحه‌هایی که در اطراف این مسافرت بیان شده و از خلال بیانه مشهوری که در خاتمه این مسافرت منتشر شد (متن کامل آن در همین شماره نبرد خلق، از کیهان رژیم عیناً چاپ میشود) و نیز توجه به متن کامل موافقتنامه بخش اقتصادی، به نکته اصلی پی برد. بدین جهت ابتدا توجه به

در صفحه ۷

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

شورای ملی مقاومت ایران ترور قاسملو و دستیاران او را قویاً محکوم می‌کند. طبعاً این کشتار تجیع توسط رژیم تروریستی خمینی صورت گرفته است. رژیم خمینی امروز اعلام کرد "به پیشنهاد قاسملو مذاکراتی در مورد شرایط امان گرفتن ۱۰۰۰ بین وی و نماینده‌ای" از طرف رژیم در شهر وین صورت گرفته و "در جریان این سلسله مذاکرات روز گذشته محل جلسه نماینده جمهوری اسلامی و هیئت حزب دمکرات کردستان به رهبری قاسملو مورد حمله قرار گرفته است. به این ترتیب با کمال تأسف، آتشی قاسملو سرانجام قربانی "سلسله مذاکرات" خاشاکه و ننگینی شد که طی ۵ سال گذشته پیوسته از سوی شورای ملی مقاومت ایران از آن برحذر داشته می‌شد ولی قاسملو برآمد واهی و طمع‌خام خود مبنی بر کنار آمدن و سازش با دشمن ضد بشری پافشاری می‌کرد و سر آن بود که در همکاری و سازش با ابدی خمینی امتیازاتی بدست خواهد آورد. او این سیاست را "واقع‌گرایی" و "هنر ممکن" قلمداد می‌کرد. اکنون تجربه خونین، بار دیگر ثابت کرده است که کنار آمدن با عقرب واقعی، با به قول رژیم "امان" خواستن از آنان، هیچ‌آخر و عاقبتی ندارد. رژیم یلید خمینی و ابدی توطئه‌گر و تروریستی‌اش از پنج سال پیش قاسملو را، در رأس حزب دمکرات کردستان ایران، از شورای ملی مقاومت جدا کردند و با کشاندن او به یلید باطل و فرسایندگی "مذاکره"، وی را چنانکه می‌خواستند رودر روی این شورا و مقاومت مسلحانه سراسری قرار دادند. گزارش‌های موثق حاکی از این بود که قاسملو مدت‌ها در ارتش، با پادرمیانی برخی از کردهای عراقی که در تهران بسر می‌برند، با عمال رژیم در ارتباط و در حال مذاکره و همکاری بوده است. ابزار خصوصیات بسیار گونه او را علیه شورای ملی مقاومت ایران، ارتش آزادیبخش ملی و سازمان مجاهدین خلق ایران، باید از نتایج همین "سلسله مذاکرات" دانست. در همین مسیر بود که قاسملو با بقایای رژیم مدفون سلطنتی، زانده‌های رژیم خمینی و استحاله‌گران و مزدوران معلوم الحال در خارج کشور بیش از پیش، علیه مقاومت ایران هم‌صدا می‌شد، همراه آنها برای بلندگوها و مطبوعات استعماری بر ضد مقاومت ایران خوراک تبلیغاتی تهیه می‌کرد و آشکارا به تبلیغ مانده‌گاری رژیم و "میانه روی" و سازش ناپذیری رفسنجانی می‌پرداخت.

نخستین درس واقع‌بینی ایست که توطئه و فریب و کشتار، ذاتی رژیم خمینی و بازماندگان او است. از رژیمی که تاکنون از هیچ‌کس درنگشته و از بالاترین مقامات مسئولان تا پایین‌ترین ابدی ارمنه به

در صفحه ۲

اعلامیه

جنبه دموکراتیک ملی ایران

در رابطه با ترور دکتر قاسملو

در صفحه ۳

مباحثه اشپیکل با اورتگا

در صفحه ۴

در بند خمینی

گزارشی از زندان - شماره (۱)

در صفحه ۱۱

اخبار و رویدادها

در صفحه ۱۲

منظره اقتصادی در ایران ادامه دارد

ترجمه ای از واشنگتن پست

در صفحه ۶

ملاقات ماندلا - بوتو

در روز ۵ ژوئیه امسال، نلسون ماندلا، رهبر کنگرس ملی افریقا که بمدت ۲۷ سال در زندان بوده است، با پیمبر بوتو رئیس جمهور نژادپرست افریقای جنوبی ملاقات نمود. بوتو در قصر ریاست جمهوری، ماندلا را به صرف چای دعوت نموده بود. روزنامه هرالدریپوین در شماره ۱۵ و ۱۶ ژوئیه ۸۹ خود درباره این ملاقات می‌نویسد: "اینکه چرا چنین ملاقاتی صورت گرفت و اختلافات آنها به کجا کشیده میشود، همچنان مسوود کنجگاو افریقای جنوبی هاست. اکثر ناظران سیاسی این قضیه را به نفع آقای ماندلا می‌دانند. زیرا علت اصلی این ملاقات اختلافات بین بوتو و فردریک دوکولرک جانشین رهبری بوتو در حزب ملی (حزب حاکم در افریقای جنوبی) است که از اوایل امسال شروع شده و هنوز ادامه دارد. آقای دوکولرک فردی است که شانس بسیاری در رسیدن به مقام ریاست

در صفحه ۵

هر چه گسترده‌تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی برای سرنگونی رژیم خمینی

اعلامیه



سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)

ترور جنایتکارانه دکتر قاسملو و همراهان او را شدیداً محکوم می‌کند

رژیم ارتجاعی خمینی در روز ۲۲ تیرا سال به يك اقدام جنایتکارانه و ننگین جدید دست زد و آقای عبدالرحمن قاسملو و همراهان ایشان را ترور نمود. فرستادگان رفسنجانی جنایتکار، قاسملو را که برای مذاکره با مامورین سپاه پاسداران رژیم خمینی در محل ملاقات حاضر شده بود، با شلیک چند گلوله به قتل رساندند و بدین ترتیب قاسملو قربانی سیاستی شد که خود سالها آنرا پیگیرانه ادامه می‌داد و تمامی تلاشهای نیروهای انقلابی برای برحذر داشتن ایشان از مذاکره با رژیم خمینی متأسفانه به نتیجه نرسید. رژیم خمینی که حتی در مقابل بسط و گسترش زدنهای نزدیکترین افراد خود سخت تریس و واکنش‌ها را نشان می‌دهد، حدود ۵ سال قبل با قبول مذاکره با حزب دمکرات کردستان ایران، ابتدا این جریان را از شورای ملی مقاومت جدا نمود و سپس طی يك سلسله اقدامات آشکار و پنهان که متأسفانه آقای قاسملو نیز با شکردهای خاص خود آنرا همراهی می‌کرد، به مخوف جنبش حق طلبانه مردم کردستان ضربات جدی وارد نمود. طی ۵ سال گذشته از جانب دکتر قاسملو اقداماتی صورت گرفته که جنبش سراسری مردم ایران و جنبش حق طلبانه مردم کردستان از این اقدامات آسیب های جدی دیده است. شایعات کذبیه که از جانب او در رابطه با مقاومت انقلابی مردم ایران، سازمانهای عضو شورای ملی مقاومت و بخصوص سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتش آزادیبخش ملی ایران در این اواخر در خارج از کشور انشمار می‌یافت و نقل محافل "خارج نشین" و خوراک تبلیغات جریانات استعماری بود، همراه با تهدید پشیمرگان حزب دمکرات کردستان ایران - رهبری انقلابی به درگیری مسلحانه از آخرین نمونه‌های آنست، جا دارد که طرفداران دکتر قاسملو یکبار دیگر به مشی مذاکره جویی با رژیم خمینی که اکنون دیگر به وضوح و بطور غیر قابل انکاری برای همگان روشن شده است، که نه فقط يك خط مشی به بن بست رسیده و بدون نتیجه برای ادامه دهندگان آنست، بلکه خود مدافعان آن نخستین قربانیان آن می‌باشند، ببینیدند.

حقیقت اینست که رژیم خمینی (با خمینی و بدون خمینی) آنه استحاله پذیر است و نه قابل رفرم. راهی که امروز رفسنجانی جنایتکار ادامه می‌دهد، همان راه خمینی است که یکی از مشخصات اصلی آن همین اقدامات تروریستی است. سرنوشت درندك افرادی مثل دکتر سامی و دکتر قاسملو بخوبی این نکته را روشن می‌کند که با این رژیم هیچ راه صلح و مصالحه و سازشی وجود نداشته و این رژیم جنایتکار، ارتجاعی و تروریستی برای ادامه حیات ننگین خود به هر اقدام جنایتکارانه‌ای دست می‌زند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) یکبار دیگر ضمن محکوم نمودن این اقدام تروریستی رژیم خمینی بر این امر باز هم تأکید می‌کند که تنها راه پایان دادن به جنایاتی که توسط رژیم خمینی صورت می‌گیرد، سرنگونی تام و تمام این رژیم و تمامی ارگانها و دسته بندیهای درونی آن از طریق مبارزه مسلحانه انقلابی است.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت)

۲۵ / تیر / ۱۳۶۸

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

از صفحه ۱
سخنی انتقام می‌گیرد، جز غدر و خیانت و کشتار چسب انتظار می‌توان داشت؟ رژیمی که بیگمان بلکه روز حساب جنایت‌ها و خونریزی‌های بی‌شمار خود را به مردم ایران پس خواهد داد.
ترور قاسملو و دستیارانش - آنهم در چنین مذاکره و پس از آنهمه خوش خدمتی علیه مقاومت - نشانده آنست که رفسنجانی و شرکاء در چهلمین روز سرگرد خمینی، می‌خواهند به همگان بفهمانند که روح پلیس خمینی کماکان در سراپای رژیمش حضور دارد. از سوی دیگر بقایای رژیم خمینی برای حفظ سهار حکومت، نیاز شدیدی به افزایش تروریسم در داخل و خارج از کشور احساس می‌کنند.

بهین مناسب به همه استحاله گران و افسداد مقاومت مردمی و همه افراد و گروههایی که چه در گذشته و چه در حال حاضر، با تاخ و تار علیه شورای ملی مقاومت و با لایح سازمان مجاهدین خلق ایران

و ارتش آزادیبخش ملی ایران، قصد خزیدن به زیر قباب ولایت فقیه را داشته و دارند توصیه می‌کنم که از آخرین جنایات این رژیم و از پایان فحیعی که در این قبیل جلسات "امان" خواهی در انتظار آنان است، درس عبرت بگیرند.
اما پیام این جنایت، که آشکارا بن بست خط سازش با رژیم و خیانت به مردم را گواهی می‌کند، برای مردم و پشیمرگان و گروههای سیاسی کردستان ایران اینست که بین مردم سراسر ایران با بقایای رژیم خمینی هیچ آشتی و سازشی متصور نبوده و نیست و این رژیم در تمامیت خود بایستی توسط ارتش آزادیبخش ملی سرنگون و ریشه کن شود.

شورای ملی مقاومت ایران از دولت انترنشنل و سایر دولت های اروپایی، که رژیم خمینی از دیرباز در قلمرو آنها برای جنایات تروریستی خود دست باز داشته است، به جد می‌خواهد در تعقیب و کفیر و افشای تروریست های صادراتی این رژیم هیچ مسامحه‌ای به خرج ندهند.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت
۲۳/ تیر / ۶۸

فرد دستگیر شده در جریان قتل قاسملو معاون عملیاتی سپاه پانزدهم رژیم خمینی در قراقرگه رمضان است.

محمد جعفری صحراوردی که در جریان قتل قاسملو توسط ابادی رژیم خمینی، در وین دستگیر شده و سفارت رژیم خمینی در وین مدعی است که این فرد يك دیپلمات می‌باشد، در حقیقت معاون عملیاتی سپاه پانزدهم پاسداران رژیم خمینی است که مقرر آن قراقرگه رمضان واقع در شهر گرمانشاه (غرب ایران) می‌باشد. پاسدار صحراوردی از دستیاران محمد باقر ذوالقدر فرمانده سپاه پانزدهم و قراقرگه رمضان، که در عین حال از سه ماه پیش فرماندهی اطلاعات ستاد مرکزی سپاه پاسداران خمینی در تهران را نیز برعهده دارد، می‌باشد. پاسدار صحراوردی که از پاسپورت دیپلماتیک و نام مستعار رحیمی استفاده می‌کند از سال ۸۶ فرماندهی عملیات سپاه پانزدهم پاسداران خمینی را برعهده داشت و مسئول ارتباط با گروههای کرد عراقی بود. وی در سال ۸۷ فرماندهی قراقرگه ناحیه ۲ فتح در شهرستان سقز را که ماموریت آن اقدامات برون مرزی سپاه پاسداران خمینی در ارتباط با اکراد عراقی بود برعهده گرفت و از سال ۸۸ به مرکز فرماندهی سپاه پانزدهم در شهر گرمانشاه منتقل گردیده است.

امیر منصور بزرگیان عامل دیگر رژیم خمینی که توسط پلیس انترنشنل دستگیر شده و صحراوردی قصد انتقال پاکت محتوی ۹۰۰ دلار پول رایبه او داشت از عناصر کرد خریداری شده توسط وزارت اطلاعات رژیم خمینی است که سابقاً به جریان قاسملو بسیار نزدیک بوده و مستمراً بین قاسملو و تهران نقش رابط را ایفا می‌کرده است.

دفتر مجاهدین خلق ایران - بغداد
۱۶ ژوئیه ۸۹

درباره مسافرت...

از صفحه ۶

بعید می‌دانیم که مقامات اتحاد شوروی از خصومت توسعه طلبی پان اسلامیتی این رژیم باخبر نباشند. اما ذکر مجدد انرا بی ثمر نمی‌دانیم که اگر باقیمانده‌های رژیم خمینی پای خود را محکم کنند آن وقت مقامات شوروی و مردم شوروی نه فقط "دندان‌های بنیادگرای" را بهتر احساس می‌کنند بلکه با آن ترابرها گسترده‌تر برخورد خواهند داشت. همین روزها انفجار بمب در بین مردمی که برای مراسم حج به مکه رفته‌اند و نیز اقدامات تروریستی دیگر رژیم، باز هم رویای کسانی که در فکر سازش با این رژیم هستند را نقش بر آب کرد. آیا اتحاد شوروی باز هم مثل گذشته نمی‌خواهد از اشتباهات خود درس بگیرد و آیا مقامات شوروی می‌خواهند همچنان در بین مردم ایران چهپه منفی داشته باشند و آیا می‌خواهند کماکان ابتکار دفاع از حقوق بشر و آزادیهای دموکراتیک را در دست کشورهای غربی بگذارند؟ سیر رویدادها نشان می‌دهد که متأسفانه مقامات اتحاد شوروی هنوز با حقایق مسائل ایران فاصله بسیار دارند. ما امیدواریم که در اتحاد شوروی جسارت قبول حقایق جامعه ایران به وجود آید. این هم به سود مردم ایران، هم به سود مردم اتحاد شوروی و هم مردم سراسر منطقه خاورمیانه است. طبعاً اگر این حقایق در اتحاد شوروی درک شوند، رژیم خمینی ضرر بسیار خواهد کرد. اکنون چگونگی انتخاب برعهده خود مقامات شوروی است.

کارگران و کارمندان ایران برای آزادی شکل‌های کارگری و کارمندی، برای انحلال انجمن‌های ضد کارگری و برای توقف کشتار زندانیان سیاسی بباخیزید، متحد شوید، به مبارزه مسلحانه انقلابی بپیونید و رژیم خمینی را سرنگون سازید.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
پیرو برنامه (هویت)
۱-۲-۱

اخبار و رویدادها....

از صفحه ۱۲

اوتاوا - خبرگزاری کانادا در تاریخ ۱۲ ژوئیه ۸۹ خبر زیر را مخابره نموده است:

" گروه کارگری برای اخراج ایران از ملل متحد - اصرار می‌ورزد "

کنگره کارگری کانادا از کانادا خواست تا از اخراج ایران از ملل متحد حمایت نماید.

سازمان کارگری که بیش از دویلمیون کارگر کانادایی برانحاده‌های کارگری را نمایندگی می‌کند همچنین درخواست کرد تا شورای ملی مقاومت را به رسمیت بشناسد. شورا که مجموعه‌ای از احزاب میانه چپ است خواهان سرنگونی رژیم بنیادگرای مسلمان در ایران است. در بیانیه‌ی کوتاه که آخر هفته گذشته انتشار پیدا کرد، کنگره قطعنامه اخیر پارلمان اروپا که شورا را به رسمیت شناخته و خواستار اخراج ایران از ملل متحد شده بود، تأیید کرده. در مارس ۸۹ کنگره درخواست کرده تا تحریم‌هایی را علیه ایران به اجرا درآورد. کنگره کارگری در بیانیه خود گفته است که اهداف شورای ملی مقاومت برای تغییر ایران به یک کشور صلح طلب و آزادخواه " باید توسط تمام کسانی که از خونریزی بی‌شمار در ایران خسته شده‌اند حمایت گردد. "

مسئله مرجعیت تقلید آخوند اراکی موجب تشنج و درگیری‌های لفظی بسیاری در حوزه‌های آخوندی قم و دیگر نقاط شده است. در این رابطه جامعه مدرسین حوزه آخوندی قم در جلسه روز ۲۶ خرداد امسال خود به ابتکار جدیدی در رابطه با مسائل مرجعیت دست می‌زند و طی یک رای گیری از ۲۰ نفر حاضر در جلسه فوق، ۱۹ نفره تقلید از آخوند گلپایگانی رای می‌دهند. تعدادی از کسانی که در این جلسه تقلید از گلپایگانی را جایز دانسته و به او رای مثبت داده‌اند عبارتند از آخوند راستی کاشانی - آخوند انصاری - آخوند بردی - آخوند شیخ علی اکبر مسعودی - آخوند آذری قمی - آخوند مومن - آخوند موحدی کرمانسی - آخوند رضا استادی .

در جلسه علنی مجلس ارتجاع در روز ۱۱ تیر امسال، عبدالمجید شرع بستند نماینده مجلس ارتجاع از کرج طی یک گفتار کوتاه از نمایندگی مجلس ارتجاع استعفا داد. وی در استعفا نامه خود از اینکه " قدرت در دست عده‌ای معدود " است و حضور مردم در صحنه " سطحی و تشریفاتی " است شکایت نمود و از " نبود زمینیه و عدم امنیت " و نیز " نگرانی شدید از آینده سیاسی کشور " صحبت نمود. بدنبال استعفای این نماینده مجلس موجی از تبلیغات و حرکات تهاجمی علیه وی آغاز گشته که هنوز هم ادامه دارد. برخی اخبار حکایت از تحت نظر گرفتن وی توسط اداره اطلاعات رژیم دارند. بدنبال این استعفا نمایندگان مجلس ارتجاع طی یک نامه خواستار عزل او از نمایندگی شدند و اعلام کردند که " اظهارات وی را در راستای اهداف دشمنان داخلی و خارجی انقلاب " می‌دانند.

رژیم تروریستی خمینی طی ماه گذشته به اقدامات

اعلامیه

دریافت نشد، متأسفانه، در دوره‌های بعدی مذاکرات، برای نگرانیهای خود به اشکال گوناگون و اسف بار از سیر وقایع پاسخ بافتیم، وقایعی آکنده از خصومت که بر دیگر مقاومت در مقابل رژیم و به آلمان خود مختاری برای کردستان، لطافت زمانبازی وارد کرد و ارمغانی جز تشنگی و انحراف و تلخ کلمی به جای همبستگی برای نیروهای سیاسی، نداشت و با دامن زدن به یک جنگ خانمانسوز خانگی در کردستان فضای مقاومت را تیره و تار کرد و سیل عظیمی از پیشمرگان را به خاک و خون کشید، بطوریکه تلفات این درگیریهای دشمن شاد کن، از مجموع کسانی که در کردستان به دست رژیم اعدام شده بودند، بیشتر شد. به علاوه، در ادامه همین سیاست، رهبری حزب دموکرات کردستان ایران به انحاء مختلف و تا جایی که می‌توانست در مقابل مقاومت و جنبش سرنگونی، در خارج و داخل، به تبلیغ و خصومت و دسته بندی پرداخت. و با لآخره، با کمال تأسف در پایان سیر همین وقایع آخرین بهای سیاست مذاکره و سازش بدین شکل در دناک، در بسازی قدرت، پرداخته شد.

در اینجا باز هم تأکید می‌کنیم که رژیم حاکم، نه جزاً و نه کلاً، نباید طرف مراجعه و مذاکره قرار گیرد. و امیدواریم، کسانی که آگاهانه یا ندانسته با هم استحاله، مقاومت ضروری را فراموش کرده و اهمیت براندازی را کم رنگ می‌کنند، تجربه اخیر را که به بهای بسیار گرانی طی ۴ سال به دست آمده است، فراموش نکرده و نادیده نگیرند. باید این رژیم ترور و وحشت را به اتکا، آزاده ملی و با توسل به همه اشکال مبارزه و حمایت از جنبش مسلحانه آزادیبخش به گورستان تاریخ سپرد، باشد که یکبار دیگر تمام پیشمرگان حزب دموکرات کردستان ایران، سهم شایسته خود را در این مبارزه افتخار آمیز، به عهده گیرند تا فصل نویسی از همدلی و وفای ملی، در مقابل ارتجاع حاکم گشوده شود.

زنده باد ایران
زنده باد آزادی
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
پیروز باد شورای ملی مقاومت

جبهه دموکراتیک ملی ایران
۲۲ / تیر / ۱۳۶۸

شامگاه ۲۲ تیر ۱۳۶۸، دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیرکل حزب دموکرات کردستان ایران (طرفداران کنگره هشتم) و عبدالله قادری نماینده این حزب در اروپا که در این به قصد مذاکره با نمایندگان رژیم جمهوری اسلامی (شخصی به نام محمد جواد صحرا رودی معاون عملیاتی در سپاه ۱۵ رژیم در قرارگاه رمضان کرمانشاه)، حاضر شده بودند، با کمال تأسف هدف تروری قرار گرفتند که بر حسب قاعده امری جز نتیجه سلطه جنایت بار نظام جمهوری اسلامی بر همین ما نمی‌تواند باشد.

جبهه دموکراتیک ملی ایران، ضمن اظهار تأسف، این ترور دردناک و وحشیانه را محکوم می‌کند و تهدیدی نمی‌تواند داشته باشد که سران رژیم با پهن کردن این دام و تصدیقات قبلی، قربانیان خود را باز هم به مذاکره کشانند تا این بار با جنگال خونریز ایسادی و مزدوران بی رحم خود، آنان را به قتل برسانند. در آستانه بازی " انتخابات ریاست جمهوری " به است حزب الله و رقیبای خود نشان دهند که در " خط امام " اند.

بدیهی است از این رژیم که فقط در زندانیهای مخوف خود بیش از یکصد هزار انسان بی گناه را کشتار کرده و ارمغانی جز ترور و نابودی نداشته است، انتظار دیگری نداشته و نداریم. به همین علت ۵ سال قبل، پس از اطلاع از اولین دور مذاکرات بین نمایندگان حزب دموکرات و ابان رژیم که با انگیزه مطالبه خود مختاری انجام گرفت، خود را با چندین سوال رو به رو یافتیم و برای این سوال خود که چگونه مطالبه دموکراسی و خود مختاری با بحث و مذاکره از چکین رژیمی میسر می‌تواند باشد و با اینکه کدام مصلحت فشردن دستهای خون آلود ابان رژیم را پشت میز مذاکره ایجاد کرده است، جوابی دریافت نکردیم.

چهار سال قبل نیز پس از جدایی دکتر قاسملو از شورای ملی مقاومت ایران که به علت بافتاری بر سیاست مذاکره با رژیم انجام شد، این جبهه در بیانیه ۳۰ تیر ۱۳۶۴، با نگرانی عمیق نسبت به این سیاست و عواقب آن، از اینکه رهبری آن حزب حاضر به نفی این سیاست نبود، اظهار تأسف کرد. اگر برای سوالهای مابین از اولین دور مذاکرات جواب قانع کننده‌ای

تروریستی متعددی در نقاط مختلف جهان دست زده است، این اقدامات رژیم که اساساً از ماهیت این رژیم سرچشمه می‌گیرد، توسط ابان داخلی و منطقهای صورت گرفته است. انفجار بمب در مکه، انفجار اتوبوس مسافربری در اراشیل، ترور سرهنگ عطا الله بای احمدی در دویس، و با لآخره ترور قاسملو در اتریش از آن جمله است. این اقدامات تروریستی از یکطرف در آستانه انتخابات ریاست جمهوری مصرف داخلی برای رژیم داشته و از طرف دیگر بمثابة یک عامل فشار بر روی غرب عمل می‌کند. هفت کشور بزرگ غرب در کنفرانس خود در پاریس، به مبارزه قاطع علیه تروریسم و کشورهای که آنرا تشویق می‌کنند تأکید کرده‌اند. در مقابل اینگونه فشارهای جمهوری اسلامی، دولت

فرانسه اقدام به چاپ و پخش سراسری کتاب سلمان رشدی نمود. کتاب او در روز ۲۸ تیر امسال (۱۹ ژوئیه) در سراسر فرانسه به فروش می‌رسد.

مردم ایران:

رژیم خمینی به کشتار زندانیان سیاسی ادامه میدهد. مبارزه متحد و یکپارچه شما، می‌تواند به این جنایت بزرگ تاریخ بشری خاتمه دهد. برای توقف قتل عام زندانیان سیاسی، برای سرنگونی رژیم خمینی و استقرار صلح و آزادی، مقاومت انقلابی مسلحانه را از هر طریق ممکن باری کنید. سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - پیرو برنامه (هویت) است.



مصاحبه امپیکل با اورنگا

تاریخ: اول ماه مه ۱۹۸۹

س - آقای رئیس جمهور، شما یکی از دو تن روسای دولتی هستید که روئالدریگان با تمام قدرت تلاش برساقط کردنشان داشت، شما و هرلیدی معمر قذافی، وقتی دشمن قسم خورده شما کاخ سفید را ترک کرد، چه احساسی به شما دست داد؟

ج - احساس رضایت خاطر عمیق. از اینکه در برابر این نماینده قدرت نظامی امریکای شمالی که سوگند یاد کرده بود در طی دوران ریاست جمهوری به زندگی انقلاب نیکاراگوئه خاتمه دهد، ایستادگی کرده ایم، سرشار از غرور می شویم. ریگان میبایست برود، انقلاب همچنان استوار برجاماند. این حقیقتا یک پیروزی بزرگ بود.

س - همچنین جورج بوش هم قصد دارد ارتش کنترا را که سالهاست بر علیه دولت شما یک جنگ خونین پارتیزانی راه پیش می برد، فعال نگاه دارد. چنانکه کنگره امریکا هم مجدداً ۵۰ میلیون دلار کمک مالی به شورشیان اعطاکرد.

ج - این آشکارا نقض موافقتنامه صلح بین ۵ کشور امریکای مرکزی است که در فوریه در السالوادور منعقد شد. بر حسب این موافقتنامه میبایست در عرض ۹۰ روز طرحی برای انحلال پایگاههای ارتش کنترا و بازگشت نیروهایش به زندگی غیر نظامی تهیه گردد.

س - با اینحال به آنچه که در السالوادور پذیرفتید، پایبند خواهید ماند؟

ج - ما تاکنون تمام نکات طرح صلح را سخت رعایت کرده ایم و بعد از این هم خواهیم کرد، مستقل از اینکه دولت ایالات متحده چه عملکردی در پیش میگیرد.

س - اما شما به مقاصد امریکایی ها اعتماد ندارید؟

ج - معتقدم برزیمنت بوش در تلاش یافتن روشهای جدیدی است و به راه حل سیاسی خاتمه درگیری علاقه مند است. منتها به نظر می رسد که با مقاومت جناحهای راست افراطی ایالات متحده، که در مقابل هر تغییر در سیاست امریکای مرکزی واکنش منتهی مخالفت بر می خیزند، روبرو شود. وانگهی، نباید فراموش کرد که بوش بعنوان معاون ریاست جمهوری در دولت ریگان صرفاً هنکار طراحی مشی سیاسی وی نبوده، بلکه همانطور که اینروزها در جریان دادگاه هنکار سابق شورای امنیت ملی، الیورتورت، افشا گشته، بیشتر در اجرای عملی این مشی شخصاً فعال بوده. به این دلیل برای جورج بوش چندان ساده نخواهد بود که گذشته اش را به فراموشی بسپارد و در

امریکای مرکزی بدون پیشداوری وارد عمل شود.
س - فکر نمیکنید که روند صلح، غیرمتمتعصام مسائل موجود غیر قابل بازگشت باشد؟

ج - متأسفانه هنوز نمی توان گفت که روند صلح بازگشت ناپذیر است. هنوز در منطقه مرزی بین نیکاراگوئه و هندوراس چهار ارتش مختلف فعالند. ارتش هندوراس، ارتش امریکا، نیروهای نظامی کنترا و نیروهای ما. وضعیت در این منطقه هنوز متشنج است و هر لحظه امکان آغاز درگیری وجود دارد. تا زمانی که عقب نشینی نیروهای نظامی صورت نگرفته و تمام این منطقه تحت کنترل ارگانهای سازمان ملل قرار نگیرد، خطر شروع درگیریهای جدیدی که میتواند تمام دست یافته ها را دوباره نابود کند، وجود دارد.

س - شما رئیس جمهور جدید دست راستی السالوادور، آوندوگریستالی را هم متهم کردید که در روند صلح مانع ایجاد می کند.

ج - رئیس جمهور السالوادور، ناپلئون دووارته، به دلیل بیماری، شرکت در ملاقات آینده روسای جمهور در ماه مه را به جانشینش واگذار کرد. از برخی توضیحات کریستینالی باید اینطور برداشت کرد که حزب وی علناً حاضر نیست موافقتنامه السالوادور را رعایت کند. کریستینالی قرارداد جدیدی می خواهد که در آن خلع سلاح شورشیان کنترا را به خلع سلاح چریکهای السالوادوری جبهه فارابوندومارتی وابسته می کند. این کاملاً بی معنی است. کنتراها پایگاهها، نشان و ادراک نیکاراگوئه، رهندوراس بنا کرده اند، در حالیکه جبهه فارابوندومارتی در خاک السالوادور فعالیت می کند. این مشکل، مشکل این کشور است.

س - اما نه کاملاً. شما از چریکهای جبهه فارابوندومارتی حمایت می کنید.
ج - ما جبهه فارابوندومارتی را به لحاظ اخلاقی و سیاسی، علی الخصوص در تلاش برای یافتن یک راه حل سیاسی برای مشکل السالوادور حمایت کرده ایم، حتی من خودم پیشنهاد های صلح جبهه را سخما به روسای جمهور کشورهای امریکای مرکزی منتقل کردم. س - و اکنون اکیذا برای دوستان چریکتان اسلحه ارسال نمی کنید؟

ج - ما راه ارسال سلاح متهم کرده اند. اما انقلابیون السالوادور قریب به همه سلاحهای خود را در مبارزه با ارتش بدست آورده اند، همانطور که ما هم در مبارزه با دیکتاتور سوموزا سلاحهایمان را از گارد ملی به غنیمت می گرفتیم. بعد از پیروزی انقلاب ساندینیستی عده ای از هواداران جبهه فارابوندومارتی تلاش ورزیدند، بدون اینکه ما را در جریان گذاشته باشند. پایگاههای تدارکاتی در نیکاراگوئه برپا کنند. عده ای از انقلابیون نیکاراگوئه هم به جبهه فارابوندومارتی پیوستند که تعدادی از آنها بعدها دستگیر شده و در واشنگتن بعنوان سندی برای اثبات وجود رابطه مورد ادعا بین نیکاراگوئه و چریکهای السالوادوری به نمایش گذاشته شدند. تمام داستان همین بود.

س - همچنین گفته میشود که از جانب طرف مقابل درگیری نیکاراگوئه هم برای چریکهای السالوادور سلاح فرستاده می شود. کنتراهای راست باید به جبهه فارابوندومارتی چپ سلاح فروخته باشند!

س - کنتراها سلاحهایشان را آنها به جبهه فارابوندومارتی نمی فروشند. آنها در حین فرارشان به

سمت هندوراس مقادیر زیادی سلاح برای ما بجا گذاشتند. ارتش هندوراس هم از کنترا اسلحه می خرد و حتی در کاستاریکا هم مسلسل های کنترا خرید و فروش می شود. تمام این هیجانات ممنوعی در مورد ادعای ارسال سلاح از طرف نیکاراگوئه برای چریکهای السالوادور فقط برای انحراف افکار از این موضوع است که ایالات متحده سالها ابزار جنگی به امریکای مرکزی وارد کرده و بدینوسیله بازار خرید و فروش سلاح را رونق بخشیده است. ما چیزی برای پنهان کردن نداریم و به این دلیل برای یک کنترل بین المللی بر معاهده صلح امریکای مرکزی عمیقاً ارزش قائلیم.

س - شما به درخواست امضا کنندگان قرارداد، آلمان فدرال هم که شما در سفر اروپا بهتستان از آن دیدار خواهید کرد، باید در این کنترل بین المللی شرکت داشته باشند. از دیدار خود درین چه انتظاراتی دارید؟

ج - این اولین دیدار رسمی با لاترین سطوح مقامات دو دولت است و فرصتی خواهد بود که مشکلات امریکای مرکزی را در گفتگوی مستقیم با احزاب تشکیل دهنده دولت بن مطرح کنیم.

س - بعد از اینکه تا بحال اینکار را فقط با احزاب اپوزیسیون می توانستید بکنید، دولت ساندینیستی همواره خوشحال بوده که بهترین روابط را با حزب سوسیال دمکرات آلمان که عضو مشهورش ویسنفسکی، بخاطر تلاشهای گسترده اش برای صلح در نیکاراگوئه لقب "فرمانده هانس" گرفته است، داشته است. اما در مقابل دولت فدرال هفت سال پیش کمکهای مربوط به کشورهای در حال رشد را برای نیکاراگوئه قطع کرده بود.

ج - معتقدم که نمی توان مسئله را اینچنین ارزیابی کرد. ما بهترین روابط را با دمکرات مسیحی ها، فی المثل در امریکای لاتین و ایتالیا داریم. تعدادی از ایشان به نیکاراگوئه آمدند و فعلاً به بهبود روابط میان دولت و اپوزیسیون دمکرات مسیحی کمک کردند. اگر روابط بین نیکاراگوئه و برخی دولتهای اروپای غربی چندان خوب به نظر نمی رسد، بدون شک بخاطر تلاشهای دولت ریگان برای ایزوله کردن بین المللی کشور ما بوده است.

س - و اکنون می خواهید این ایزوله بودن را بشکنید و اروپاییان را متقاعد کنید که از روند صلح در امریکای مرکزی بوسیله فرستادن ارگانهای کنترل، فعلاً به حمایت کنند. حضور گروه آلمانی سازمان ملل در طول مرز هندوراس خوشحالتان می کند؟

س - ما از ابتدا خواستار یک دستگاه نظارت برای عملی شدن طرح صلح امریکای مرکزی بودیم. در حالیکه دیگران بخاطر تجارب بدشان و بدلیل اینکه در گزارش یکی از این نوع کمیسیونها از نقش حقوق بشر بویژه در السالوادور، هندوراس و کواتزالا انتقاد شده بود، مخالفت می کردند. ما در خواستمان یاقشاری کردیم. اینچنین بود که پیشنهاد تشکیل یک کمیسیون بین بنیادی متعادل مطرح شد و نهایتاً اسپانیا، آلمان فدرال و کانادا برای شرکت در آن پاسخ مثبت دادند. شرکت آلمان فدرال را یک عنصر بی نهایت مثبت در پروژه صلح ارزیابی می کنم.

س - آقای رئیس جمهور، شما بعنوان اولین اقدام

مباحثه اشپگل با اورنگا

شخص، بلافاصله بعد از ملاقات السالوادور تقریباً ۲۰۰۰ تن از اعضای سابق گارد ملی سوموزا را از زندان آزاد ساختند. گامی که در کشور چندان بی مشکل نبود. چه وقت بقیه زندانیان سیاسی را عفو خواهید کرد؟

ج - ابتدا تعدد داشتیم همه کارهای را آزاد کنیم، اما بعد پارلمان تصمیم گرفت که ۲۹ مورد ویژه شامل عفو نشود و در این رابطه ۱۶۰۰ تن از کنتراها هنوز در زندان بسر می‌برند و آزادسازی آنها به خلق سلاح شورشیان بسته خواهد بود.

س - نباید کنتراها هم قبلاً همه زندانیان ساندینیست را آزاد کنند؟

ج - این در ارتباط مستقیم با خلق سلاح شورشیان قرار دارد. کنتراها قبل از پایان سال با آزادسازی زندانیان ما موافقت کردند و به طبع تاکنون بدان عمل نکرده‌اند. بنابراین ما هم بقیه زندانیان کنترا را وقتی آزاد خواهیم کرد که رهبران کنترا قرارداد السالوادور را رعایت کنند.

س - شما در السالوادور متعدد شدید، انتخابات آزاد تحت نظارت بین المللی برگزار کنید، آیا به تعهد خود عمل خواهید کرد؟

ج - ما فعلاً نه سفول آماده کردن مقدمات برگزاری انتخابات در فوریه آینده هستیم و در این راستا از بالاترین مقامات انتخاباتی ونزوئلا، کاستاریکا و کارشناسانی از کشورهای دیگر دعوت به عمل آوردیم که برآمده سازی و برگزاری انتخابات نظارت کنند. ایشان کاملاً آزادند که تحرک داشته باشند، اظهار نظر کنند و حتی با اپوزیسیون گفتگو کنند.

س - اما لازمه انتخابات آزاد، وجود آزادی اظهار عقیده، آزادی اجتماعات عمومی و همچنین آزادی مطبوعات است. چه اقداماتی برای تضمین این حقوق بنیادین انجام گرفته؟

ج - این آزادیها بوسیله قانون اساسی ما تضمین شده است. احزاب اپوزیسیون حتی در اوج تهدیدات ایالات متحده هم ممنوع نشدند. آنها می‌توانند بدون هیچگونه محدودیتی به هرگونه فعالیت سیاسی اقدام کنند و برای برنامه‌هایشان در رسانه‌های جمعی تبلیغ کنند.

س - تغییر قوانین انتخاباتی و بسازی قانون مربوط به رسانه‌های جمعی چه ضرورتی داشت؟

اپوزیسیون چگونه می‌تواند در تائیدگذاری بر رونق و رفورم شرکت داشته باشد.

ج - من شخصاً با رهبران ۱۴ حزب اپوزیسیون ملاقات کردم و پیشنهاد ایشان را در قالب یک گزارش به گردهمایی ملی منتقل کردم تا نتیجه‌های مناسب به تصویب برسند. اپوزیسیون مدتها پیشهاد عنوان کرده بود، طبیعتاً به امید اینکه خدا مکان بسیاری از خواسته‌هایش عملی شود. بدیهی است که ما می‌بایست آنها را از زمانی می‌گذرانیم اما بی نهایت محتاطانه عمل کردیم و مهم‌ترین خواسته‌های اپوزیسیون در رابطه با رفورم مربوط به قوانین انتخاباتی را مورد نظر قرار دادیم. همچنین قوانین جدید رسانه‌های گروهی هم بسیار پویاتر از قبلی است. س - اما اپوزیسیون نظر دیگری دارد. آیا اینحال

هنوز هم قابل قبول است که یک دولت انقلابی اپوزیسیون امکان سربرافراشتن ندهد.

ج - ما در نیکاراگوئه بابت روزه ای روبرو هستیم که از آغاز طرفدار بلورالیم سیاسی و یک اقتصاد مختلط بود.

س - در نیکاراگوئه هم گلاسفوت و پروستریکا؟

ج - برخی چیزها که امروز در اتحاد شوروی جریان یافته، مدنیت‌هاست که در نیکاراگوئه به واقعیت پیوسته‌اند. انقلاب ما با معنای مشخصی یک پروستریکای یکای منحصر به فرد است و از زمانیکه ما با سوموزا می‌جنگیدیم هم همین بود. بنابراین یک مقایسه مستقیم با اتحاد شوروی مجاز نیست. زیرا در اتحاد شوروی این جزء مضمون انقلاب نبود. اگر ما در اوج جنگ می‌بایست آزادیهای شخصی را موقتاً محدود کنیم، بدلیلی امنیت ملی بود و نه به این خاطر که - چنانکه اغلب عنوان می‌شود - در اینجا تمایلات توتالیتاریستی عمل می‌کردند.

س - پیش بینی یک پیروزی انتخاباتی اپوزیسیون را کرده‌اید؟

ج - نه من فکر می‌کنم این غیرممکن است، زیرا به رشد یافتگی سیاسی خلق نیکاراگوئه یقین دارم.

س - شما در ماههای اخیر برخی بارهای سنگین به دوش همین خلق گذاشتید. بودجه دولت را قریب به نصف کاهش دادید، برای غلبه بر تورم شدید دهها هزار تن از کارمندان دولت را برکنار ساختید، تقریباً همه سوسیالیست‌ها را حذف کردید، قیمت‌ها شدیداً بالا رفته‌اند بطوریکه هزینه‌های مردم علیرغم فروشگاه‌های پر از کالا کمتر قادر به خرید چیزی هستند.

ج - همه این اقدامات بسیار فزاینده‌اند، اما اگر بخواهیم اقتصادمان را از درهم شکستگی کامل نجات بخشیم، انتخاب دیگری نداریم. ما همه این اقدامات را برای مردمان توضیح دادیم. من شخصاً به کارخانه‌ها رفتم و با کارگران درباره صرفه‌جویی‌های ضروری سخن گفتم. کشور ما بدهی‌های بزرگی دارد. بدهی‌هایی که جنگ و فاجعه گردید سال گذشته به ما تحمیل کرده‌اند مردم زحمتکش ما این را می‌دانند. ولی می‌دانند که این بدهکارها نتیجه یک سیاست استثمارگرانه نیست و در جریان گردش سرمایه مانند جاهای دیگر اقلیت ناچیزی تر و تمند نمی‌شوند. با وجود جنگ ما بیمارستانها و مدارس جدید ساخته‌ایم.

س - ظاهراً بسیاری از هموطنان آینه‌های در کشور نمی‌بینند و هزاران تن بویژه به طرف دشمن اصلی شما، ایالات متحده مهاجرت می‌کنند.

ج - در حال حاضر این جریان بطور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته. بسیاری از مهاجرین هم دوباره باز می‌گردند و صرفاً نه به این دلیل که آمریکا با توجه به سیل مهاجرین - نه فقط از نیکاراگوئه بلکه از سراسر آمریکای مرکزی - دست به اقدامات شدیدی زده است. بسیاری از مهاجرین کشف می‌کنند که در ایالات متحده نمی‌توانند آینده‌ای بنا کنند، بلکه حتی باید روی سر درآورند از زندان یا یک اردوگاه حساب کنند.

س - ایالات متحده هنوز به لغو محاصره اقتصادی نیندیشیده و اتحاد شوروی که تا کنون حمایت‌شده می‌کرده اعلام کرده که به هیچ وجه نمی‌تواند کمک‌هایش را افزایش دهد. آیا اکنون روی آن حساب باز می‌کنید که اروپائیان گامی به پیش بردارند؟

ج - ما همواره برای برقراری و گسترش رابطه سیاسی و اقتصادی با خارج تلاش کرده‌ایم، زیرا این به ویژه برای کشورهای جهان سوم اهمیت حیاتی دارد. از این نظر ایده‌آل می‌بود اگر یک طرح بین المللی برای بازسازی آمریکای مرکزی - نه فقط برای ما تنها - با شرکت همه، ایالات متحده، بازار مشترک اروپا، اتحاد شوروی و ژاپن پدید می‌آمد.

س - قرار است در ماه مه در استکهلم یک کنفرانس بین المللی برگزار شود که باید نوعی یعنی طرح - سازش را برای نیکاراگوئه به تصویب برساند، در حال حاضر به چه چیزی بیشتر نیاز دارید؟

ج - به یک کمک مالی فوری برای تضمین نجات اقتصاد و یک کمک درازمدت برای بازسازی برخی کشورهای که به تشویق دولت سوئد به استکهلم خواهند آمد، متخصصینی به نیکاراگوئه فرستاده‌اند و تا اندازه‌ای دقیق در جریان نیازهای بلاواسطه ما هستند.

س - شما بعد از اینکه یکبار انکویتان را در کوبا دیدید، اخیراً سیستم سیاسی کشورهای اسکانه‌نوی رانوعی مدل برای نیکاراگوئه عنوان کردید.

ج - فی الواقع ما هیچگاه به این نیندیشیده‌ایم که انقلاب خلقی ساندینیستی باید کوبا را بعنوان الگو ببیند، و همینطور کشورهای دیگر آمریکای لاتین را. اگر به دموکراسی کشورهای اسکانه‌نوی متعامل می‌شویم به این دلیل است که این کشورها مثل ما جمعیت کوچکی دارند و در مقابل از سطح بالایی از عدالت اجتماعی برخوردارند، خود را از پیمانهای نظامی دورنگ می‌دارند و توانسته‌اند یک استاندارد زندگی تحسین برانگیز ایجاد کنند، بدون اینکه وابسته بشوند.

س - چه وقت ساندینیستها تقاضای عضویت در انترناسیونال سوسیالیست را خواهند کرد؟

ج - ما از نقش امروزیمان بعنوان ناظر بسیار راضی هستیم و در این موضع می‌توانیم از تصمیمات انترناسیونال به اندازه کافی استفاده کنیم. انترنا - سیونال در حال درگیریهای آمریکای مرکزی نقش اساسی ایفا کرده. ما همچنین مواضع مترقی انترناسیونال را در قبایل کشورهای جهان سوم ستایش می‌کنیم.

اشپگل - آقای رهبر جمهور، بخاطر شرکتتان در این گفتگو متشکریم.

ملاقات مانند لا - بوت

از صفحه ۱

جمهوری را بعد از بوت دارد که کمتر از دو ماه دیگر این امر مشخص میشود. لازم به یاد آورست که همین روزنامه در شماره ۱۳ آوریل امسال خود از قبول خبرگزاری رویتر نوشت: "به گفته دیپلماتهای غربی انداتولی آدامسین، یکی از معاونین وزارت امور خارجه شوروی دو هفته پیش مخفیانه به افریقای جنوبی رفت." همین روزنامه می‌افزاید که "مسکو رسماً مخالف ایجاد روابط دیپلماتیک رسمی با افریقای جنوبی می‌باشد و معتقد است که این روابط تا زمانی که آبارتا (نژاد پرستی) در افریقای جنوبی از بین نرفته است، غیر ممکن است."

دورسازانه‌های خبری جهان

منظریه اقتصادی در ایران ادامه دارد
مبارزه پراگماتیست‌ها با ایدئولوگ‌ها بر سر سیاست‌های

دوران بعد از خمینی

واشنگتن پست - ۱۸ ژوئن ۱۹۸۹

نویسنده: جانتان رندال

(سرویس خارجی روزنامه واشنگتن پست)

تهران - پس از مرگ آیت‌الله روح‌الله خمینی، قیمت مواد غذایی و ارز خارجی بالا رفته است و این موضوع نشانگر آن است که بزرگترین مشکل حل نشده جمهوری اسلامی یعنی مدیریت نادرست اقتصادی، هنوز هم به قوه خود باقی مانده است.

اساساً بی‌توجهی خمینی، در دهه سالی که گذشت قدرت بود، به اقتصاد این کشور می‌تواند عامل مهمی در پیچیده‌تر کردن مشکلاتی باشد که خامنه‌ای، جانشین رهبریت مذهبی، و سخنگوی مجلس، هاشمی رفسنجانی با آن مواجه هستند. به گفته تحلیل‌گران و دیپلمات‌ها در اینجا، این مشکل را خمینی با تعیین نکردن یک برنامه اقتصادی و یک دستگاه قوی اجرایی قبلاً از مرگش ایجاد کرده است.

به گفته دیپلمات‌ها، درست همانطور که در ماه ژوئیه سال گذشته خمینی آتش‌بس را که قبلاً آنرا مطرح هم نمی‌توانست کرد، پذیرفت و شخصاً به مردم اعلام کرد در این مورد هم تنها کافی بود یک توضیح مختصر و اویه این جدال سیاسی بسیار حساس در مورد بازسازی این اقتصاد داغمان ایران خاتمه دهد.

اینکه علیرغم هشت سال جنگ خانمان برانداز، تورم سالیانه که هم اکنون به ۵۰ درصد رسیده است و بیکاری که حداقل ۲۵ درصد می‌باشد، هنوز بحسب وگفتگو درباره اینکه چه باید کرد ادامه دارد نشان می‌دهد که ایدئولوژی در بین حکام مذهبی که احساس می‌کنند انقلابشان در اثر اختلاف با عراق ضربه خورده است، اهمیت بسیاری دارد. این نظریه که ایران نباید به خارج وابسته شود در قلب این مباحثات وجود دارد. طرفداران این نظریه خصوصاً گرفتن وام خارجی را ممنوع می‌کنند و می‌گویند که وام خارجی بار دیگر ایران را زیر تسلط سرمایه‌گذاری خارجی که به گفته آنها در قرن اخیر و قبل از انقلاب ۱۹۷۹ وجود داشت خواهد برد و با وجود اینکه در حال حاضر ظاهراً جناح افراطی هیچگونه برنامه‌ای اقتصادی از خود نداده است، بر علیه نظریه پراگماتیست‌ها که می‌گویند ایران باید از بازار بین‌المللی پیروی کند می‌جنگند و ایجاد تاخیر در طرح ریزی یک برنامه اقتصادی می‌کنند.

با در آمد سالانه صادرات خارجی که رو به فرسوده محدود به درآمد نفت بوده و حدوداً ۱۲ میلیارد دلار می‌باشد چیز قابل توجهی برای بهبود وضع اقتصادی بعد از اینکه ۵ میلیارد آن به دستگاه دفاع که تقریباً جیب این بودجه را خالی می‌کند و ۳ میلیارد برای واردات مواد غذایی که باید یک جمعیت ۵۰ میلیونی را که در دهه اخیر از ۳۶ میلیون به این تعداد رسیده، تامین کند، باقی نمی‌ماند.

اقتصاد دانان مستقیماً هیچ تأثیری در این بزرگترین درگیری سال که چه چیزی در پی بهبود وضع اقتصادی تقدم دارد، نداشته‌اند. رادیکال‌ها در ماه فوریه پس از دستور خمینی به قتل سلمان رشیدی نویسنده انگلیسی که به گفته او کتایش "آب‌ساز"

برخی از رویدادهای تاریخی

از صفحه ۱۲

- ۲۲ مرداد ۱۳۶۲ - شهادت کاک اقبال کریم نژاد از فرماندهان حزب دمکرات کردستان ایران و ۱۶ ایدئولوگ قهرمان این حزب در درگیری نظامی با نیروهای رژیم خمینی
- ۲ مرداد ۱۳۶۲ - حمله مزدوران رژیم خمینی به اعتصاب کارگران کارخانه کانادا در ای و بخون کشیدن این اعتصاب خارجی:
- از ۲۲ ژوئیه تا ۲۳ اوت
- ۲۴ ژوئیه ۱۳۸۲ - تولد سیمون بولیوار، یکی از چهره‌های انقلابی و ملی آمریکای لاتین
- ۵ اوت ۱۸۹۵ - مرگ فردریک انگلس، آموزگار پرولتاریا و زحمتکشان جهان
- ۱ اوت ۱۹۱۴ - آغاز جنگ جهانی اول
- ۲۵ ژوئیه ۱۹۳۵ - آغاز کارکنتره هفتم کمیته بین‌المللی کارگران
- ۱۲ اوت ۱۹۲۵ - استقرار جمهوری دمکراتیک ویتنام در شمال این کشور
- ۶ اوت ۱۹۴۵ - بمباران اتمی شهر "هیروشیما" در ژاپن توسط امپراتور ایسم آمریکا
- ۱۹ اوت ۱۹۴۵ - بمباران اتمی شهر "ناگازاکی" در ژاپن توسط امپراتور ایسم آمریکا
- ۲۳ ژوئیه ۱۹۵۲ - قیام افسران جوان مصریه رهبری جمال عبدالناصر فقید
- ۲۴ ژوئیه ۱۹۵۲ - حمله انقلابیون کوبا به رهبری فیدل کاسترو به پادگان تونکارا
- ۲۳ ژوئیه ۱۹۶۱ - تاسیس جنبه ساندینیست در نیکاراگوئه
- ۱۲ اوت ۱۹۷۴ - مقاومت قهرمانانه فلسطینی‌ها در اردوگاه تل زعتر پس از ۲۴ روز در جریان توطئه مشترک اسرائیل، دولت سوریه، جنبش ارتجاعی اسلم و فائزیه‌ستهای لبنان شکسته شد.
- ۱۲ اوت ۱۹۷۵ - امضا موافقت نامه هلینکی توسط دولت‌های آمریکا و شوروی و حمایت تعدادی دیگر از دولت‌ها از این موافقت نامه

درباره مسافرت...

از صفحه ۱۰

رفسنجانی برای حفظ موجودیت رژیمش است و از آنجا که این جنایتکار بزرگ که دست‌ان به خون بهترین فرزندان خلق ما آغشته است، و نیز از آنجا که اکنون دیگر بخش عظیمی از افکار عمومی و دولتهای جهان به نقض حقوق بشر و تروریست بودن این رژیم اذعان دارند و متأسفانه اتحاد شوروی در مورد هر دو مساله فوق موضع آشکار و علمی ندارد، پذیرایی شوروی از رفسنجانی و نیز ساخت و پاخت با او، چه در زمینه سیاسی و چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه فروش اسلحه، جعلی به ضرر مردم ایران و از جنبه‌هایی به ضرر مردم منطقه و مردم خود اتحاد شورویست. ما همچنان که قبلاً نیز اعلام کرده‌ایم این اقدام مقامات اتحاد شوروی را محکوم می‌کنیم و اطمینان داریم که مردم ایران این اقدام مقامات اتحاد شوروی را نیز هیچگاه قراموش نخواهند کرد و آنرا در فشار اقدامات منفی دولت شوروی (که متأسفانه تعداد آن بی‌شمار است) در قبال مردم ایران خواهند دانست. گرچه ما در صفحه ۲

شیطانی "نوهین به اسلام بوده است، به یک پیروزی بزرگ دست یافتند. پیامد غوغای بین‌المللی که بدین جهت ایجاد شد، افکار عمومی منفی در غرب دولتهای اروپایی آنها را ناچار ساخت تا در مورد دادن وام برای بازسازی به ایران تجدید نظر کنند. و آن نقشه را فعلاً کنار بگذارند. به گفته یک دیپلمات "جریان رشدی یک رنگ خطر جدی برای آینده غرب در روابط با ایران بود،" زیرا که خارجی‌ها را از آمدن به اینجا و سرمایه‌گذاری کردن منصرف کرد. رادیکال‌ها هم ضد رشدی بودن ربه خامنه‌ای و رفسنجانی شخصی که مقام مذهبی حجت‌السلام دارد و کاندیداتوری بدون رقیب خود را در انتخابات رئیس جمهوری ۱۸ اوت که رئیس‌جمهور در آن قدرت بیشتری نیز خواهد داشت، تحمیل کردند. بنا به گفته چندین دیپلمات در اینجا، احتمالاً غرب بطور ناخودآگاه به این بحران عقیدتی که خود را با جریان رشدی بروز داد کمک کرده است. غرب که نیاز شدید ایران به بازسازی بعد از جنگ و بدعکاز نمودن و علاقه به پرداخت نقدی ایران جذب اثن کرده بود، احتمالاً دست خود را پس از آتش‌بس در خلیج فارس زود رو کرد و با اعزام افراد مهم دولتی و نمایندگان دادوستدی خود برای معامله با ایران عجلان عمل کرد. یک چنین نقشه بزرگی برای اقتصاد آزاد و وام‌های سخاوتمندانه خارجی درست پس از آتش‌بس زود بود. با اینحال رفسنجانی، خامنه‌ای و دیگر افراد به اصطلاح پراگماتیست محتاطانه پیشرفتی در این راه کوه‌ها این معتقدان به مداخله بخش خصوصی در اقتصاد و روابط بازرگانی را غرب در تأیید بودجه سه ماهه مارس موفق شدند که موافقت با گرفتن وام‌های خارجی آنهم محدود را بدست آورند که کاملاً برای مصیبت نفت بوده است. یک دیپلمات در اینجا می‌گوید: "این بحث‌ها تدریجاً تغییر کرده است." "ایران دیگر نمی‌گوید ما قرض نمی‌کنیم، بلکه می‌گوید ما برای کارهای ضروری قرض خواهیم کرد."

با وجود اینکه این باید توسط مجلس تصویب شود اما راه‌هایی پیدا کرده‌اند که بتوانند از این محدودیت در برنامه‌هایی که شرکت‌های خارجی چیزهای مورد نیاز و آماده برای استفاده را بتوانند با بازپرداخت اقساطی در چند سال پرداخت کنند، عبور کنند. اما به گفته تحلیل‌گران، ایران برای اینکه بتواند پیشرفتی داشته باشد بایستی که یک مدل اقتصادی برای خود تعیین کند. "تقریباً هر نوع مدل اقتصادی، چه تحت کنترل دولت، چه کنترل بخش خصوصی و چه آنچه بیشتر احتمالش می‌رود یعنی هر دو." "انقلاب از بی برنامه گی اقتصادی فلج شده است." سرمایه‌داران ایران هر چیزی را می‌توانستند تحمل کنند مگر این بی برنامه‌گی و مشخص نبودن را. "خیلی ساده باید گفت در اینجا هیچ چهارچوب مشخص اقتصادی وجود ندارد. سرمایه‌داران برای اینکه بتوانند تصمیمی بگیرند باید آینده برایشان مشخص شود." "مشکل این است که غیرقابل پیش‌بینی بودن تشبیهاً چیز قابل پیش‌بینی انقلاب تا کنون بوده است."

یک دیپلمات می‌گوید: "بیشتر به نظرم می‌آید که برخلاف تلاش‌های بسیار پراگماتیست‌ها این وضع به همین صورت ادامه باید."



درباره مسافرت...

از صفحه ۱

بعضی نکات بیان شده در اطراف این مسافرت که جنبه کلی و عمومی دارد ضروریست. رفسنجانی در نماز جمعه روز ۹ تیر ۱۳۶۸ در اطراف این مسافرت ابتدایه سابقه روابط اشاره می‌کند و می‌گوید: "همواره روابط دو کشور از هر دو سو بد بوده است و بعد از انقلاب کمونیستی نیز این روابط حسنه نبوده است" لکن بهمان رژیم (۶۸/۴/۱۰) وی سپس به موانع عادی شدن روابط در شرایط وجود جمهوری اسلامی اشاره می‌کند و "حمایت شوروی از گروه‌های چپ‌گرا، تجاوز به افغانستان و حمایت اعراف را از سوانع عادی شدن روابط دو کشور و تیرگی این روابط" (همانجا) اعلام می‌کند. وی سپس می‌افزاید که: "این روسیه بود که سوانع را برداشت. اولاً از افغانستان بیرون رفت که این حرف اول ما بود. ثانیاً حمایت خود را از جریانهای چپگرا تضعیف کرد. تری جهان وطنی که قبل از آقای گورباچف در شوروی حاکم بود، از تز مارکسیسم حذف شد و مارکسیسم بین المللی عملایی محتوی شد. فکری برادر بزرگ بودن نسبت به همسایگان را از کاخ کرملین بیرون کردند. آمانگی خود را برای بهبود روابط اعلام کردند و مذهب مرد داخل شوروی احساس آزادی کردند و این مجموعه، زمینه ساز شد برای اینکه ایران در شرایط جمعی با شوروی قرار بگیرد و خوشبختانه این امر در زمان حیات حضرت امام اتفاق افتاد" (همانجا) از همین تاکید آخر رفسنجانی به خمینی می‌توان فهمید که در درون رژیم در این رابطه واکنش منفی وجود داشته است. رفسنجانی سپس در این رابطه عمل خود را منطبق بر نظر خمینی می‌داند و می‌گوید: "اگر این قضیه بعد از رحلت حضرت امام اتفاق می‌افتاد، برای ما مشکل بود، چون عده‌ای تری نه شرقی، نه غربی را نفو شده می‌پنداشتند" (همانجا). رفسنجانی در توضیحات خود در همین نماز جمعه به توجه خمینی به حرکات گورباچف و نامه خمینی به گورباچف و پذیرفتن وزیر امور خارجه اتحاد شوروی از جانب خمینی اشاره می‌کند و تاکید می‌کند که "استراتژی روابط آینده ایران با شوروی" که از طرف وزارت امور خارجه تنظیم شده است، توسط خمینی پذیرفته شده است. وی در پایان توضیحات به کلی دروغ خود می‌گوید: "خوشبختانه این تفسیر درستی بر تری نه شرقی، نه غربی ماست، که امام - روز شیطان‌ها القا - نکنند که بعد از امام خط نه شرقی، نه غربی مخدوش شده است و حتی این قراردادها مسائلی بود که امام از آنها آگاهی داشتند" (همانجا). تاکید از ماست. رفسنجانی سپس با اشاره به بعضی از قراردادهای اقتصادی و بعضی تفاهم نامه‌ها می‌گوید: "با درایت حضرت امام و زحمات وزارت امور خارجه و سفارت ایران در مسکو و زمینه سازی و موضع درست رهبری شوروی در قبال منطقه و اهمیتی که خلیج فارس برای حفظ منافع منطقه دارد و همکاری دو کشور برای کوتاه کردن دست بهنگانگان از این منطقه و غیر نظامی کردن آن و زحمت هیات دولت، در آستانه شرایطی قرار گرفتیم که در دهه سائزگی ایران و برنامه پنج ساله که همین روزها انشاالله در مجلس شورای اسلامی تصویب میشود، می‌تواند برای آینده

مملکت مفید باشد" (همانجا). در اینکه خمینی با مذاکرات با شوروی و ساخت و پاخت‌هایی موافقت داشته است، جای هیچگونه شکی وجود ندارد. خمینی برخلاف شعر و شعارهایی که در وصیت نامه خود علیه امریکا و شوروی و دیگران سر می‌دهد، در زندگی سیاسی - اش نشان داد که بیشتر از تمامی کردارندگان رژیمش "پراگماتیست" بود. آنان که سعی می‌کنند از خمینی یک چهره "روحانی" که بر دامن او هیچ لکه "نیستی" نمی‌نشیند ترسیم کنند و بعضاً حتی، پذیرش آتش بس با عراق را برخلاف نظر او می‌دانند یا حقیقتاً آدمهای احمق و کورونی بوده و یا در جهت منافع کلیت رژیم تئوری بافی می‌کنند. مخالفین درونی رژیم نیز پیجوی می‌دانند که طراح اصلی تمامی سیاستهای رژیم در حیات خمینی شخص خمینی بوده و او تنها هنرش این بوده که تا این او را خرمیان گرایشات متعدد درونی رژیم باری می‌کرده است. اما این مخالفین درونی به واقعیت نظر خمینی کاری ندارند. اینان اصل رابطه درستی بر مع گیری قراردادها و مساله اصلی شان قدرت گیری کامل جناح رفسنجانی است. توضیحات رفسنجانی و اشاره او به "شیطان‌ها" اساساً برای خنثی کردن همین مخالفت‌ها صورت می‌گیرد. رفسنجانی می‌خواهد با این مواضعی که با جای پای خود را محکم کند تا بتواند خط خود را پیش ببرد. اما در اتحاد شوروی بجز گفته‌های مقامات دولت شوروی که بیشتر جنبه رسمی و دیپلماتیک دارد، باید به مخالفین همی که در این رابطه صورت گرفته اشاره نمود اما قبل از آن باید به آوری کنیم که میخائیل گورباچف در رابطه با شورسهای که در مناطق مسلمان نشین جنوبی این کشور صورت گرفت اظهار نظر جالبی نمود و گفت: "بنیادگرایی در آسیای جنوبی کتلهایی خود را در ازبکستان نشان داد" این اظهار نظر بخوبی نشان می‌دهد که روابط با دارودسته رفسنجانی نه بر سر عدم اطلاع از ماهیت این رژیم و حرکات آن، بلکه دقیقاً بر اساس آگاهی به ماهیت این رژیم و حرکات آنست. آنچه در اینجا جای اشکال و ایراد اساسی است اینست که مقامات شوروی فکر می‌کنند که از طریق اینگونه روابط می‌توانند حرکات ارتجاعی این رژیم را با بعضی امتیازدانیها خنثی کنند. در رابطه با مخالفت‌های کارشناسان شوروی بانزدیکی به رژیم خمینی خبرگزاری فرانسه در تاریخ ۱۱ تیر امسال به مخالفت یکی از کارشناسان اتحاد شوروی اشاره میکند و می‌گوید: "الکساندر بودین مفسر سیاست خارجی شوروی در تلویزیون این کشور ضمن انتقاد به اعلام همکاری نظامی شوروی با ایران گفت: "شوروی نمیتواند در پشت استدلال عدم دخالت در امور داخلی دولتها، از افشای تجاوزات به حقوق بشر امتناع کند". همچنین دکتر بالینین سوکوف که یکی از مسئولین انستیتو خاورشناسی در اتحاد شوروی است این نزدیکی را یک "ریسک" اعلام می‌کند. دکتر لئونید سکلاو یک خاورشناس دیگر که متخصص در امور خاورمیانه است به معین نبودن "جهت گیری رژیم خمینی و اینکه این تصمیم مناسبی نیست" انگشت می‌گذارد. دکتر تیتامامیدف شرق شناس اتحاد شوروی هشدار می‌دهد که "جنگ قدرت در ایران ادامه دارد" و دکتر الکسی واسیلیف به نکته حساسی دست گذاشته و می‌گوید که "دلایلی وجود ندارد که سیاست

تجاوزگری ایران از زمین رفته باشد". اما در بیانیه مشترک دو طرف ضمن ارائه یک سلسله فرمولهای عمومی که همواره در اینگونه ملاقاتها که یکطرف آن اتحاد شوروی و طرف دیگر دولتهایی از نوع رژیم خمینی است، نوشته میشود و ضمن اعلام چند موافقت - نامه اقتصادی که به امضا رسیده است، به سواری دیگر نیز اشاره میشود و منجمله گفته میشود که "موضوع حل و فصل مناقشه ایران و عراق در مذاکرات بین آقای هاشمی رفسنجانی و آقای گورباچف به تمهیل مورد بحث قرار گرفت و دو کشور ضمن توجه کامل نسبت به روند گفتگوهای مربوط به اجرایی قطعنامه ۵۹۸ تحت نظارت و مساعی دبیرکل سازمان ملل متحد خواستار اجرای قطعنامه مذکور شدند. در این رابطه طرفین حمایت خود را از طرح چهار ماده ای اول اکتبر ۱۹۸۸ دبیرکل سازمان ملل متحد چیست تسریع در اجرای قطعنامه ۵۹۸ اعلام نمودند." (بیانیه مشترک - کیهان رژیم ۶۸/۴/۲۴) در مورد افغانستان در بیانیه مشترک اعلام میشود که "دو طرف با تاکید بر حقوق حقه ملت افغانستان و حفظ هویت اسلامی و تاریخی آن کشور نسبت به حفظ تمامیت ارضی و حق مردم آن کشور جهت تعیین سرنوشت خود بدون دخالت خارجی توافق داشتند. طرفین همچنین حمایت خود را از افغانستان مستقل و غیر متعهد و اسلامی که با همسایگان خود دارای روابط دوستانه باشد اعلام می‌دارند" (همانجا). در این رابطه ولایتی جنایتکار در پاسخ این سوال که سیاست رژیم از این به بعد در قبال مساله افغانستان چیست، می‌گوید که، این سیاست از خشونت به سمت مسالمت میل کرده است. بدین ترتیب یکی از مادی ترین و نقدترین جنبه این مذاکرات روشن میشود. در بیانیه اصول روابط و همکاریهای دوستانه ایران و شوروی به مساله مربوط به خرید تسلیحات رژیم از اتحاد شوروی بشکل "طرف شوروی موافقت کرد که در جهت افزایش سطح استعدادهای دفاعی با طرف ایرانی همکاری کند" اشاره میشود. این نکته علیرغم سری بودن آن واکنش - های مختلفی را ایجاد نمود. اما آنچه در این رابطه قابل توجه است، اینست که اتحاد شوروی بر سر این مساله بهیچوجه حاضر نیست نه روابط با غرب و نه رابطه با عراق را به زیر سوال ببرد و تازه خود رژیم خمینی هم حاضر نیست منافع اندکی که از این راه به دست می‌آورد را جایگزین منافع دیگری نماید که مثلاً از نقش اتحاد شوروی در رابطه با فشار بر عراق حاصل میشود. در رابطه با این بخش از مناسبات بین رژیم خمینی و اتحاد شوروی واکنش سختی از جانب دولت عراق اعلام شد که اتحاد شوروی در این رابطه اعلام نمود که هیچگونه سلاح تهرشی به رژیم خمینی بر نخواهد داد. اما از جنبه اقتصادی که رژیم خمینی بر سر آن سرودهای بسیاری براه انداخته باید گفت که چه بر اساس "بیانیه مشترک" و چه بر اساس "موافقت - نامه همکاریهای اقتصادی ۱۰ ساله" و چه بر اساس "بیانیه اصول همکاریهای مشترک" باید گفت که آنچه از این قراردادهای اقتصادی اکنون بالفعل است آنقدر ناچیز است که تنها با هیاهوی تبلیغاتی و اعلام اینکه قراردادهای طرفین ارزش "۶ میلیارد دلار" دارد، ناچیز بودن آن پزده پوشی میشود. در

درباره مسافرت رفسنجانی ...

متن کامل موافقت نامه همکاریهای اقتصادی ۱۰ ساله به ۱۶ بخش اشاره میشود که عموماً کلی و با تفاهم - نامه‌های اولیه حاصل شده است. آنچه مهم است اینست که تمامی این قراردادها بایستی بر اساس فروش گاز از جانب ایران پیش برده شود و آنهم مساله ای نیست که به زودی به امری بالفعل در مقیاس قرارداد ۶ میلیارد لاری تبدیل شود.

به این ساله محمد جواد ابروانی وزیر امور خارجه اقتصادی و دارایی رژیم خمینی که ضمناً رئیس " کمیسیون مشترک اقتصادی " نیز هست اشاره می‌کند و وی حجم قراردادها را تا سال ۲۰۰ بشرطی که جنگی آن اجرا شود را ۶ میلیارد دلار اعلام می‌کند. وی در تمامی توضیحات خود که در روزنامه کیهان هوایی مورخه ۶۸/۲/۱۴ چاپ شده است به این مساله اشاره می‌کند که هزینه این قراردادها از محل صدور گاز و دیگر کالاهای ایران به شوروی نامین میشود و این خود نشان می‌دهد که آنچه در این زمینه پیشرفت خواهد کرد، در مقیاس با نیازهای رژیم خمینی بسیار ناچیز است. در همین جا باید به این نکته تاکید کنیم که پس از آنش پس آنچه برای رژیم خمینی مهم بوده هست، تامین اعتبار برای انجام کارهای اقتصادی و به اصطلاح "بازسازی" است. این مساله برای رژیم آنقدر حیاتی است که خمینی طرح سران رژیم برای دریافت وام از خارج را تایید می‌کند و این درحالی است که کشورهای غربی برای دادن وام به رژیم خمینی شرایطی را تعیین کرده‌اند که در صورت پذیرش آن از جانب رژیم، اوضاع برای کلیت رژیم وخیم تر خواهد شد و در واقع به معنی نوشیدن چندین بشکه زهر از جانب آنان خواهد بود. از طرف دیگر اتحاد شوروی فاقد آنچنان قدرت اقتصادی است که بتواند به ایران وام قابل توجهی که رژیم بتواند با آن وارد بازار بین المللی شود، بدهد. زیرا چنین وامی باید بصورت دلار داده شود و در غیر اینصورت تنها رژیم قدری دست یابی به بازار خود اتحاد شوروی خواهد بود. از طرف دیگر تمامی سیستم های اساسی اقتصاد ایران در رابطه با دنیا ی غرب شکل گرفته و اتحاد شوروی نه قادر است و نه سایل است که در چنین شرایطی در جهت تغییر چنین وضعی برآید. بنابراین بجز ساختن یکی دو سد و تعمیر چند نیروگاه واحداث و تعمیر و تکامل چند خط راه آهن و مسائلی از این قبیل طی چندین سال آینده، هیچ دستاورد اقتصادی مهمی در این رابطه وجود ندارد. آنچه در این مسافرت و مذاکرات مربوط به آن اهمیت اول دارد، جنبه حل مسائل سیاسی برای طرفین است. اتحاد شوروی هم با مساله افغانستان روبروست و هم با مسائلی از قبیل مسائلی که در جمهوری های جنوبی با آن دست به گریبان است، روبروست. همچنین از چند سال قبیل اتحاد شوروی شدیداً به شرکت فعالتر در مسائل مربوط به منطقه نیاز دارد. مناسباتی که اتحاد شوروی بر سر مساله فلسطین با کشورهای عربی برقرار نمیشود، مناسباتی بود که با سیاست سنتی و قدیمی اتحاد شوروی در تناقض بود. در این رابطه بطور مثال اتحاد شوروی با کشور پادشاهی اردن نزدیکی بیشتری داشت

تا با حکومت سوریه. سیاست فعلی اتحاد شوروی در صحنه جهانی، تفاهم با آمریکا، نزدیکی با اروپای غربی و شرکت فعال تر در معادلات منطقه ای است. در این رابطه پس از قرارداد ژنو در رابطه با افغانستان از جانب آمریکا، تعهد شکنیهای صورت گرفت. مقاومت دولت افغانستان در مقابل تعرض به جلال آباد و شکست نیروهای مخالف دولت افغانستان که سرانجام منجر به شکست محاصره شهر جلال آباد از جانب دولت افغانستان شد، راه حل سیاسی برای حل مساله افغانستان را هر چه بیشتر برجسته کرد. نیروهای افغانستان به رژیم خمینی در اپوزیسیون دولتی افغانستان اگرچه نقش تعیین کننده ای در آینده افغانستان نخواهند داشت، اما میتوانند برای طرف مقابل یک مزاحم جدی عمل کنند. از طرف دیگر همین نیروها و رژیم خمینی به این حقیقت نیز پی برده‌اند که در حکومت مورد تایید پاکستان و آمریکا که متشکل از اتحاد هفت گانه پیشاور باشد، جای مهمی نخواهند داشت. بدین ترتیب طرفین رژیم خمینی و اتحاد شوروی و نیز نیروهای هشتگانه مستقر در تهران و دولت افغانستان، به نقطه ای میرسند که بتوانند به سازی دست یابند. این سازش گرچه می‌توانست با مانورهای غرب و نیروهای وابسته بدان در اپوزیسیون دولت افغانستان، ست گردد، اما برای پدیدهای همچون افغانستان که مسائل آن فعلاً باید بطور مقطعی و کوتاه مدت حل شود، نیروهای شرکت کننده و فعال از هر طرف، ترجیح خواهند داد که از هر سازش هر چند بسیار کوتاه مدت هم باشد سود جویند. طبیعی است که این سازش های فوری چندی از تدارک نیرو برای برهم زدن تعادل موجود را آغاز می‌کند. در پایان این دور سرانجام به نقطه حل و فصل و تعیین تکلیف جدید خواهد رسید.

روزنامه کیهان در شماره روز ۶۸/۲/۱۷ خود در یک مقاله ای طولانی در رابطه با مسافرت رفسنجانی به مسکو و مساله افغانستان می‌نویسد: " بنابراین با توجه به اینکه حجت السلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی نیز در مورد افغانستان متذکر شده که هر دو کشور جمهوری اسلامی و شوروی در خمیس افغانستان به یک عقیده مشترک رسیده‌اند، آینه نزدیک افغانستان را بسیار پرتحرک باید در نظر گرفت و از همین حالا تشدید فعالیتهای گروههای مجاهد افغان در داخل خاگ این کشور و تماس های مستقیم و غیر مستقیم کشورهای ذینفع گویای تلاشی مخاف در جهت کسب پیروزی زودرس و یکجانبه بدون پرداخت امتیاز متقابلی به جبهه شرق است. " امریکائیان بر خلاف تبلیغات ظاهری پس از سفر نخست وزیر پاکستان به واشنگتن در نظر دارند با تقویت گروههای متمایل به خود سعی کنند قبل از اینکه به یک توافق سیاسی با مسکو دست یابند، پیروزی نظامی را در قلم ناپستان تسریع نمایند. مثلاً آمریکا، عربستان و گروههای وابسته بسیار سایل هستند که در مقابل جمهوری اسلامی بر سر میز مذاکره نشسته و آینه سیاسی افغانستان را خود رقم زنند و برای اینکه جمهوری اسلامی قادر نباشد از امکانات موجود خود استفاده نماید با انحراف در مذاکرات در جبهه مستقیم مجاهدین افغان در نظر دارند گروههای هشتگانه را در جبهه اسلام آباد حل کرده و با حداقل هایی برای آنها

در نظر گرفته تا با این کارشکنی را در پیوستگی خطوط مشترک این گروهها با جمهوری اسلامی ایجاد کند. " (کیهان رژیم ۶۸/۴/۷)

به هر حال در این زمینه اتحاد شوروی امتیاز قابل توجهی از رژیم جمهوری اسلامی به دست می‌آورد که می‌تواند موقعیت برتر دولت افغانستان را بیشتر تقویت کند. همچنین با این سیاست و مانور در صفوف نیروهای هفت گانه مستقر در پاکستان گرایش به سازش با دولت افغانستان تقویت خواهد شد. طبیعتاً در صورت توافق جدیدی بین اتحاد شوروی و آمریکا بر سر این مساله امکان تغییر جبهه بندی ها و موضوع گیری بسیار زیاد خواهد بود. همچنین وقتی رفسنجانی در مسجد ناکو از سیاست های گورباچف تمجید می‌کند، به نیروهای عقب مانده در جمهوری های جنوبی اتحاد شوروی که از زاویه مذهبی و اسلامی مخالف حکومت شوروی هستند، پنحو می‌مانند که او و حکومتش در شرایطی نیستند که بتوانند کمک اساسی به آنان کنند. رفسنجانی در مباحثه مطبوعاتی در مسکو در جواب سوالی درباره مساله ازبکستان می‌گوید: " ما با شوروی ها قرارمان بر این است که در مسائل داخلی یکدیگر به کلی دخالت نکنیم. ما سیاست آقای گورباچف درباره اوضاع داخلی کشور شوروی را تایید می‌کنیم و آن را یکی از کلیدهای مهم حل مسائل منطقه و جهان می‌دانیم. " (کیهان هوایی - ۶۸/۴/۷) - روزنامه واشنگتن تا به امروز در شماره ۲۶ ژوئن اسامال خود در این رابطه می‌نویسد: " فراسوی همکاریهای عملی، خواستهای استراتژیکی وسیع تری این دو کشور را به هم نزدیک کرد. با بیشتر از ۵۰ میلیون جمعیت سلمان شوروی و از بین آمدن اختلافات مذهبی و ملیتی، زد و خورد بین مسیحیان ارمنستان و مسلمانان آذربایجان، شوروی به همکاری با ایران جهت آرام کردن اسباب مرکزی تشویق شده. " رادیو بی بی سی در تفسیر روز ۶۸/۲/۳ خود از قول روزنامه ایندیپندنت چاپ انگلستان می‌نویسد: " دیروز صدها سلطان شوروی در مسجد تاجی پور در باکو گرد آمدند تا به سخنان آقای رفسنجانی گوش کنند. خبرنگار فاینانشال تا به می‌نویسد آقای رفسنجانی قویا مورد تایید رهبر شوروی واقع شده است. به عقیده نویسنده، مراسم مسجد تاجی پور شاهد دیگری بر حمایت شوروی از سوغه آقای رفسنجانی در ایران است. سفر به آذربایجان شوروی به این قصد بوده است که موضع آقای رفسنجانی را در میان اقلیت آذربایجانی شمال غرب کشور تقویت کند. این واقعتی که به آقای رفسنجانی اجازه صحبت در آذربایجان شوروی داده شد نشانه اعتماد شوروی به رئیس مجلس ایران است به این که آقای رفسنجانی از اقامت خود در باکو برای برانگیختن بیشتر احساسات بنیادگرای اسلامی در آذربایجان شوروی استفاده نخواهد کرد. " به دنبال این مسافرت، برنامه تبلیغاتی اسلامی رژیم برای سلطانان شوروی کاهش یافته و از "بیزی و بردگی" قبلی برخوردار نیست. در مقابل این امتیازات که رژیم خمینی به اتحاد شوروی داده، چه چیزی می‌خواهد کسب کند. اوضاع رژیم آنقدر وخیم است که هرگز در فکر امتیازات استراتژیکی نیست. وضعیت رژیم خمینی نیز به

درباره مسافرت رفسنجانی

گونه‌ایست که هیچ کشوری حاضر نیست وارد معادلات استراتژیک با این رژیم شود. این مساله را مطبوعات کشورهای مختلف به نحو صریحی بیان کرده‌اند. بنابراین آنچه رژیم در جهت کسب آنت، مسائل فعلی رژیم است. مهمترین مسائلی که رفسنجانی می‌خواهد از کانال شوروی بدان دست یابد، تحقق خواسته‌های رژیم در مساله جنگ ایران و عراق است. حقیقت اینست هراندازی که بخواهد رفسنجانی انجام دهد، ابتدا باید با مساله جنگ و صلح، تعیین تکلیف قطعی کند. رژیم خمینی که در جنگ شکست خورد اجباراً تن به آتش بس و قبول قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت ملل متحد داد، حاضر نیست الزامات این شکست را بطور کامل بپذیرد. در شرایطی که تمامی اعراب (حتی سوریه) بر سر مسائل مربوط به اخلاقیات رژیم با دولت عراق بر سر مسائل سرزی، پشت سر عراق قرار گرفته‌اند، در این شرایط کنفرانس اخیر سران کشورهای عربی باز هم از موضع عراق پشتیبانی می‌کند. رژیم خمینی مجبور است که بنحوی از عوامل فشار بر روی عراق استفاده کند. رژیم خمینی می‌خواهد از فشار بر عراق، هم عراق را به پای امضا قرار داده‌های قبلی کشاند و هم فعالیت اپوزیسیون انقلابی را خنثی کند. ترائش و شواهد بسیار نشان می‌دهد که نکته اول این موضوع برای عراق اساساً قابل قبول نیست. هیچ قرارداد ملحق پس از قطع جنگ، بدون در نظر گرفتن تعادل نظامی لحظه پایان جنگ منعقد نشده است.

رژیم برای اینکه به یک قرارداد ننگین دیگر همچون قراردادی که بر سر آزادی گروگانهای آمریکایی مجبور به امضا آن شد، به هر شیوه و سیاستی متوسل بشود، حتی ممکن است به اقدامات ماجراجویانه‌ای نیز دست بزند. اما با وجود این رژیم، قراردادی بر اساس مصالح مردم ایران به سختی امکان پذیر است. و تنها حاکمیت مردمی و انقلابی از طریق شورای ملی مقاومت است که تحقق یک صلح عادلانه و شرافتمندانه که منافع مردم ایران بطور کامل در آن حفظ شود و ثبات در منطقه را ایجاد نموده و به دشمنی دیرینه با اعراب و به ویژه با عراق خاتمه دهد امکان پذیر می‌سازد. به هر حال رژیم می‌خواهد از کانال شوروی برای فشار بر عراق استفاده نماید. شوروی از آنجا که یکی از اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد است، برای هماهنگ کردن نظرات دیگر با نظر خود امکاناتی در اختیار دارد که گرنه با امکانات بلوک غرب قابل مقایسه نیست، اما در صورتی که در توافقات کلی تر با غرب بتواند منافع به دست آورد، می‌تواند در این مورد نیز امتیازاتی به سود رژیم از کشورهای غربی، عضو دائمی شورای امنیت ملل متحد کسب کند. اما شوروی در این رابطه با یک مشکل بسیار جدی روبروست و آن مناسبات با کشورهای عربی است. موضع یکپارچه کشورهای عربی بر سر اختلاف عراق با رژیم خمینی، پیشبرد سیاست شوروی را در این زمینه بسیار مشکل می‌سازد. اتحاد عراق با اردن، یمن شمالی و مصر و نیز نزدیکی بین عراق و عربستان سعودی، برای مانور شوروی، امکانات محدودی ایجاد می‌کند. اگر شوروی با نزدیکی با رژیم

خمینی، باقیمانده نفوذ خود در کشورهای عربی را نیز از دست دهد، زبان قابل توجهی نموده است. بدین لحاظ ممکن است شوروی با گرفتن امتیاز از آمریکا و عربستان سعودی در رابطه با افغانستان، چرخش باز هم جدیدی در رابطه با رژیم خمینی در سیاستهایش به وجود آید. از این جهت است که بعضی از مقامات و مطبوعات رژیم با احتیاط بسیار در این رابطه اظهار نظر می‌کنند. کیهان هوایی در مقاله شماره ۸۳۶ خود که در تاریخ ۲۱ تیر اسام منتشر شده تحت عنوان "در گستره زمان و میدان عمل، رخها التیام خواهند یافت" می‌نویسد: "اکنون که خطا بودن سیاست مسکو در منطقه بر هنگام مشخص و بغداد در پناه تسلیحات روسی به جغای سیاست آمریکا در معادلات منطقه مبدل شده است (و این چیزی نیست که کرملین بتواند آن را کتمان کند) ملت ایران انتظار جبران مناسبات جدی از مناسبات عادی منطقه در مقابل طرف رادار دارد. ملت ایران به پیروزی از رهبر کبیر خود از تغییرات در مسکو استقبال می‌کند، اما نباید انتظار داشت که زخم‌ها یک شبه التیام یابد. حجت السلام هاشمی رفسنجانی هفته گذشته در خطبه‌های نماز جمعه تهران از به فراموشی سپردن شعار - مرگ بر شوروی - استقبال کرد. طبعاً ملت ایران با احترامی که برای رهبران خود قائل است به این انتظار پاسخ مثبت خواهد داد. اما بهتر بود به تدریج عملکرد صحیح مسکو در احسان ملت ایران تغییر حاصل می‌گردد. کرملین باید توجه داشته باشد که درخواست آقای هاشمی از ملت ایران در التیام بخشیدن به زخم‌ها نقش تعیین کننده را نخواهد داشت بلکه آنچه می‌تواند همسایه شمالی را در روابطی مابین محترم بدارد، نمود عینی احترام به حقوق ملت ایران در سطح روابط دوجانبه و جامع بین المللی است. طبعاً در فاز جدید روابط ایران و شوروی جایی برای تبلیغات بنام غرب گرا در مسکو تحت عنوانی هدای "جامعه روشنفکران شوروی" نخواهد بود. ملت ایران در شرایط جدید تکرار تبلیغات غرب را از بعضی حلقوم‌ها در مسکو مخالف واقع بینی خواهد پنداشت" (کیهان هوایی - ۶۸/۴/۲۱ - تاکید از ماست) بدین ترتیب روشن است که رژیم هنوز به قطعیت یافتن توانایی شوروی برای گرفتن امتیازاتی بسود رژیم اعتقاد ندارد. آنچه روزنامه نویسی رژیم از مخالفت "جامعه روشنفکران شوروی" می‌گوید، در واقع اعتراض گسترده متخصصین، روشنفکران و روزنامه‌نگاران اتحاد شوروی به نزدیکی با رژیم خمینی است. رژیم خمینی که جایی (البته به دروغ) از تحولات درونی جامعه شوروی استقبال می‌کند، می‌خواهد این تحولات را در چارچوب خواسته‌های خود ترمیم نماید. در حالی که یکی از مهمترین اثرات تحولات اخیر در شوروی، همین امکان برای بروز مخالفت با حرکتات داخلی و خارجی دولت اتحاد شوروی است که در گذشته بطور علنی اساساً امکان پذیر نبود.

وزیر امور خارجه رژیم نیز در جواب مجاحیه گسر روزنامه کیهان هوایی که در تاریخ ۱۰ تیر ماه امسال با وی مصاحبه نموده و سوال نموده که: "چرخش سیاسی مسکو با توجه به این که در آینده نزدیک ملاقاتی با دبیر کل سازمان ملل متحد خواهید داشت چه تاثیری بر مذاکرات ایران و عراق خواهد گذاشت؟"

جواب می‌دهد که: "اگر در راه دستیابی به اهداف جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی ایران عواملی وجود داشته باشند که بتوانیم از آنها در جهت این منافع استفاده کنیم، در یک نمی‌کنیم و تا مل و رنگ را جایز نمی‌شمریم. البته اتحاد شوروی به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت و یک کشوری که در همسایگی ما قرار دارد و در جوار این منطقه مهم است، طبعاً موضعگیری هایش نیز اهمیت دارد. حال اگر این موضعگیری در جهت اجرای قطعنامه ۵۹۸ و تاکید بر اجرای این قطعنامه و بر اساس قرارداد ۱۹۷۵ - در آن جاهایی که به اجرای این قطعنامه موکول می‌شود - باشد و اگر آنها می‌خواهند در این زمینه تاکید مثبت داشته باشند این معلوم است که یک عامل موثر و مفید خواهد بود." (کیهان هوایی - ۶۸/۴/۲۱ - تاکید از ماست)

روشن است که رژیم خود از موقتی بودن تماسی قول و قرارها بین رفسنجانی و دولت شوروی اطلاع دارد. بهر حال در رابطه با این بخش از خواست رژیم خمینی از اتحاد شوروی باید بر این مساله تاکید کنیم که خود اتحاد شوروی به تنهایی قادر به دادن چنین امتیازی به رفسنجانی نیست. چنین امتیازی تنها از توافق بین شوروی و آمریکا و بقیه کشورهای غربی حاصل می‌شود و این در صورتی امکان دارد که رژیم خمینی روابط خود را با غرب ابتدا عادی و سپس ارگانیک نماید. این امریست که رفسنجانی در تلاش آن می‌خواهد از کمک اتحاد شوروی نیز برخوردار شود. مقامات کشورهای غربی و مطبوعات غرب نیز از این تلاش رفسنجانی اطلاع کامل دارند و مخالفت با این بخش از تلاش رفسنجانی - گویا چندان نداشتند. رادیو آمریکا در تاریخ ۶۸/۴/۴ خود می‌گوید "مارلین - نیز و اثر سختگوی کاخ سفید نیز روابط نزدیک تر ایران و شوروی را امیدوارکننده نمی‌داند. با این وجود وی معتقد است که ممکن است در این روابط منافع بسیاری وجود داشته باشد. آقای نیز و اثر می‌گوید ما همیشه منتظر بودیم که ایران از انزوا خارج شود و به جامعه جهانی به پیوندد. پیوستن به شوروی از طرف دیگر خوب است چرا که ایران قدمی به طرف خارج شدن برداشته و برای دنیا این فرصت پیش آمده است که نسبت به رژیم ایران از خود واکنش نشان دهد" در این رابطه شوروی‌ها نیز درصددند تا در این "نرمال" کردن جای پای خود برای خود بیاورد. شوروی‌ها بخوبی می‌دانند که رژیم خمینی اگر باقی بماند، سرانجام باید مساله خود را با غرب حل کند، و برای این می‌کوشند تا در این میان به حداقل‌هایی برای خود نیز دسترسی پیدا کند.

روزنامه واشنگتن پست در شماره روز ۲۱ ژوئن امسال خود از قول یک دیپلمات خاورمیانه‌ای می‌نویسد: "شوروی و ایران هر دو پراگماتیست هستند. هیچکدام شناخت واقعی از یکدیگر ندارند. شوروی این را می‌داند که ایران نهایتاً به سمت غرب خواهد رفت. اما آنها می‌خواهند اطمینان حاصل کنند که این چرخش به سمت غرب زیاد نباشد و شکل ضد شوروی نیز به خود نگردد."

بدین ترتیب بازماندگان خمینی کسسه روزی می‌خواستند، از طریق کرپلا به قدس برسند. پس از ناکامی در مسافرت خود، اکنون تصمیم گرفته‌اند از صفحه ۱۰

در بند خمینی

شماره (۱)

توضیح نبرد خلق:
"در بند خمینی" براساس گزارش یکی از رفقا از دوران ۱۶ ماهه اسارت تنظیم شده است. این رفیق که بعدها به نیروهای سازمان ما در دوران اسارت پیوست، بازبان ساده دوران اسارت را شرح می‌دهد. در متن زیر ضمن حفظ مضمون گزارش این رفیق تغییراتی در شکل آن صورت گرفته است.

۶۱/۸/۲۰ - معلم مشغول شرح پیچیدگیهای گزارش انگلیسی بود و من در حالی که از پیچیدگی وی به حساب که در زمان به چندان دور رخ داده بودند.

۶۱/۷/۲۸ - ساعت ۱۰ صبح - معاون دبیرستان همه دانش آموزان را برای استماع سخنرانی در حیاط جمع کرد. پس از چند دقیقه آخوندی پشت تریبون رفته و علیه احزاب و سازمانهای مخالف رژیم به سخنرانی پرداخت. اکثریت بچهها ابتدا به او توجیه نداشتند و با یکدیگر گفتگو می‌کردند. آخوند مذکور در اواسط سخنانش در حالی که تقریباً فریاد می‌کشید گفت:

"این شد انقلابیون، این کمونیستهای ضد خدا و اسلام کجا هستند؟ اینجا همه مثل موش به سوراخ رفته‌اند و اکنون اوتوس رزمندگان اسلام حتی در آنجا هم اسارت ندارند. (صدایش را بلندتر کرد) اگر در سوراخ موش نیستند، بیایند این گوی واین هم میدان این این شد انقلابیون را باید تکه تکه کنیم." بچهها عصیان شده بودند و مزه می‌آشامان بالا می‌گرفت. من نیز به سوالاتی که در ذهن جوانه میزد، فکری کردم: برآستی آیا پیشمرگها "موش" هستند یا پاسداران؟ مگر دو هفته پیش نبود که پیشمرگها وارد شهر شدند و تعداد زیادی از مردوران رژیم را از در آورده‌اند؟ مگر همین پیشمرگها نیستند که هر هفته مدتها پاسدار را به سزای اعمال ضد خلق می‌برسانند؟ بعد دریافتیم که این آخوند مشغول سیاسی عقیدتی رژیم و مدرس کلاسهای ایدئولوژی برای معلمین است.

۶۱/۸/۸ - آخوند یادشده مشغول آموزش معلمین زن بود و ما هم در کلاس خود به معلم گمشده فراداده بودیم. ناگهان صدای رگبار مسلسل فضایی دبیرستان را پر کرد. من سریع از پنجره به بیرون نگریدم و چشم به وی افتاد که به سمت منزل سربازدار که در حیاط دیگری قرار داشت، می‌دوید. دیگر فهمیده بودم که پیشمرگها داخل شهر هستند. چند دقیقه بیشتر نگذشته بود که در حیاط دبیرستان سراز شد و تعدادی پیشمرگ وارد شدند. شادمان به پیشواز شان رفتم. من و یکی از دوستانم بنام "الف" مخفیانه محل اختفای آخوند و اسامی پاسداران دانش آموز را به مسئول آنان دادیم. این به اصطلاح دانش آمی-سوزان، پاسدارانی بودند که رژیم از شهرهای دیگر آورده و در هر کلاسی دو تن از آنان را مأمور جاسوسی و سرکوب نموده بود.

پیشمرگان، آخوندا که لابلای تیشک ولحافهای منزل سربازدار پنهان شده بود، بیرون آورده و با خود بردند. همینکه بچهها وی را دیدند شروع به سوت زدن و هورا کشیدن نمودند و با دستخیز می‌گفتند: "این گوی واین هم میدان!"

پیشمرگان لیست پایدار - دانش آموزان را خواندند. ما با هیچ يك از آنان خود را معرفی نکرد و از طرف دیگر بقیه دانش آموزان هم به علت هراس از اقدامات آنی رژیم، قادر به معرفی آنان نبودند. بالاخره پیشمرگان از طریق تطبیق لیست با کسارت شناسایی همه را پیدا کرده و قید داشتند که آنها را با خود ببرند. اما مطمئن و دانش آموزان با این استدلال که دستگیری این عده، موجب انتقام گیری رژیم از بقیه دانش آموزان می‌شود، پیشمرگان را متقاعد کردند که آنها را آزاد نمایند. پیشمرگها برای پاسداران، از حیایات رژیم سخن گفته و از آنان قول گرفتند که به شهر خودشان بازگردند و سپس راهبان ساختند.

نیرویاداری هر چه بیشتر شد، دستگیری و نیمیسی از شهر به کنترل پیشمرگان درآمده بود. سزودوران رژیم به یگانهای خود خزیده و از آنجا با خمیازه و گولوه خانهای مردم راه رفتند و دبیرستان ما نیز از این امر بی نصیب نمانده بود. بچهها سی خواستند در طرف دیگر ساختمان که دارای زیرزمین بود، پناه بگیرند. مادر جمعی که دو تن از آنان قصد اینکار را کردند، خمیازه‌ای به داخل حیاط دبیرستان

اصابت کرده و آنان را اماج ترکش های خود قرار داد، بصورتی که فوزه پای یکی از بچهها قطع شد.

تعدادی از مردم در خانههای خود را گشوده و به پیشمرگان بازی می‌رسانند. درگیری بگروز تمام طول کشید و رژیم متحمل بیش از ۲۰۰ نفر تلفات شد و ۱۵ تن از مردم بنگانه نیز در خمیازه باران مسازل سکونی توسط جانبازان پاسدار به شهادت رسیدند. روز بعد که پیشمرگان به مقرهای خود بازگشته بودند، رژیم حکومت نظامی اعلام کرده و پاسداران برای دستگیری مردم و نیز جمع آوری جنازهها به خیابان هجوم آوردند.

پس از دو روز ما به دبیرستان بازگشتیم. "شریف - پور" از ابوابی شد خلقی رژیم ورشکس آموزش و پرورش شهر، برای ما به سخنرانی پرداخت و تهدید کرد که: "ما ضد انقلابیونی را که بین دانش آموزان نگه‌سود کرده‌اند، به سزای اعمالشان می‌رسانیم."

آنروز دانش آموزان را وادار نمودند تا بر علیه پیشمرگان به تظاهرات بپردازند. اما تلاش پاسداران در اجبار دانش آموزان به تکرار شعارهایی همچون "گولوه، دمگرات، فدایی، سه جاش آمریکایی" رده جایی نبود. پاسداران در واکنش به این عمل، به ضرب و جرح بچهها پرداختند و تعدادی را نیز دستگیر نمودند. ۴۰۰ صدای جیب لندنوری که به سرعت وارد حیاط دبیرستان شد، رشته افکارم را از هم گسخت. دو پاسدار از جنب پناهه شدند و به طرف دفتر رفتند. ما سی دانستم که حضور اینان همیشه پیام مرگ و نفرت را با خود به همراه می‌آورد از این رو همه ی بچهها با نگرانی به حیاط خزیه شده بودند. معلم که متوجه شده بود با صدای آهسته‌ای گفت: " چیزی نیست، گوشان به درسی باشد."

احساس می‌کردم دنبال من آمده‌اند زیرا قبلا دو تن از رفقایم را دستگیر کرده بودند. چند لحظه‌ای نگذشته بود که کسی در کلاس را به صدا درآورد، معاون دبیرستان بود که می‌گفت "قای ف را سی خواهند." همه به من نگاه کردند و من بسیاری ناگفته‌ها را در چشمانشان خواندم. کتابهایم را به یکی از دوستانم دادم و از او خواستم به خانمان خبر بدهد. بیرون معاون دبیرستان گفت: "دو پاسدار آمده‌اند و می‌گویند که از طرف آموزش و پرورش توجیه خواسته - اند." من فهمیدم که موضوع چیست و سایرین همان طور که بطرف دفتر می‌رفتم، سیری که رویش "سر قرار یاد جمهوری دمگراتی خلق" حک شده بود، را از جیبم در آورده و پس از شکستن در کلاسهای پرتاب نمودم.

در دفتر متوجه شدم که یکی از دوستان دانشمندی آیموز نیز حضور دارد. از رئیس دبیرستان سوال کردم: "قای ف را، من کاری داشتم؟" به جای او یکی از آن دو پاسدار پاسخ داد: "ما از طرف اداره آموزش و پرورش آمده‌ایم، برادر "شریف پور" را شما و برادر "کاردار" بعد از زود بر می‌گردیم."

به اتفاق آن دو پاسدار بیرون آمده و سوار لندنوری شدیم. من و رفیقم حدسی رژیم که مقصد آموزش و پرورش نیست، بلکه اطلاعات سپاه شد خلقی ست. ما پیشین بر سرعت در خیابان حرکت می‌کرد و از مقابل آموزش و پرورش نیز گذشت. ما گفتیم: "برادر از آموزش و پرورش رد شدیم، یکی از آنان جواب داد: "نزدیک اطلاعات تک کار ضروری داریم، بعد بر می‌گردیم" در تمام طول این مدت ما به خیابان می‌گریسیم و امیدوار بودیم کسی مارا داخل ماشین ببیند و به خانواده‌ها ما اطلاع دهد که مارا کجا می‌برند. بالاخره به اطلاعات رسیدیم. در آنجا ابتدا با ژنید یعنی تده و محتویات جیبهایمان را خالی کردند و سپس فوراً چشم بند زده دستبندیمان را از پشت ما دستبند بستند. ما به دستگیری بدون دلیل خود اعتراض کردیم و آنان را با مشت و لگد به باسگویی [پرداختند. سپس مارا به درون اتاقک کوچکی هل دادند. یکی از پاسداران در هنگام بستن در مانده حیوان می‌گریست. "پدر...های بی دین، اینجا بهتان می‌فشانم که دنیا مست کیه"

آری ما دریافتیم بودیم که "دنیای" اینان همانسا مشت و لگد و شکنجه است و در آن تنها جلادان حقیقی زیست دارند. "اتاقک شبیه دستبندی و هوای درون آن بی اندازه سرد بود، چند دقیقه بعد در باز شد و بلافاصله چند نفر ما را زیر ضربات خود گرفتند: "پیشرفها، می‌خواستید چشمپا تون را باز کنید؟" کج و میزبان به اعتراض پرداختیم که ما اینکار را نکردیم اما آنان بر شدت ضربات خود افزودند: "تسای شرفها، اگر چشمپا تون را باز کنید تکه، تکه تسای می‌کنیم." و دوباره ما را تنها گذاشتند. همانمیر از آن خون شده بود. احساس گوفنگی شدیدی می‌کردیم. آنان مانند حیوانات وحشی که در بهشت به جستجوی تکار می‌پردازند و هنگامی که آنها یافتند او را به شدید - ترین صورت لنت و پارس می‌کنند، عمل می‌کردند. هوای

اتاق سرد بود و ما تمام تلاشمان برای گرم نگاهداشتن خود، دستها و پاهايمان کم کم بی حس می‌شدند. صدای ضربات شیددی همانند کابل به گوشمان می‌رسید و همرا با آن گاه به گاه فریاد خفه نیز بلند می‌شد. ما شروع کردیم به شمردن ضربات، یک، دو، ... چهار ... ده ... بیست ... هفتاد ... پس از صدای صدای ضربات و بدنبال آن ناله‌های دردا و ر قطع شد. می‌دانستیم که این سرلشت در انتظار ما هم هست و سعی می‌کردیم روحیه خود را حفظ کنیم. در آن لحظات ما با "خرمگس" در ذهن نقش می‌بست. نهاد می‌آوردیم که "خرمگس" با اینکه زخمی شده بود، چگونه در زندان مقاومت می‌کرد و برای تقویت روحیه خود را به حیای او تصور می‌کردیم. غروب هنگام بود که در باز شد و پس از پرسیدن اسامی، مرا به همراه خود بیرون بردند. در راهرو مرا به حالت ماریج می‌گردانند و از اینکه در راهرو با لای بی‌بندار اینک دوباره بصورت ماریج چرخاندم از چند پله دیگر مرا پایین آوردند. همرا با همه ی اینها مرتب به صورت میلی می‌زدند. آنجا می‌خواستند که متوجه نقشه و وضعیت داخل ساختمان نشوم. بالاخره در انتهای با راهرو می‌رسانند:

"اگر کوچکترین صدایی یا حرکتی کنی، پوست سرت را می‌کنیم." "دقایقی بعد صدای مار زدن دری را شنیدم و سپس صدای آه و ناله‌های دردناک کسی که او را روی زمین می‌کشیدند. باضربه‌ای که به ساق پایم خورد، سه خود ادم" "بلندشو، پدر سوخته ی بیترف، حالا بهت نشون می‌دهیم."

داخل اتاق مرا روی یک صندلی نشانیدند و صدای خشنی که یقینا متعلق به بازجو بود، شروع به سوال کردن نمود:

"اسمت چیه؟ - ب - ف - اسم مستعار ندارم - پدر سوخته، آگه دروغ بگی تکه، تکهات می‌کنم. آدرین دبیرستان؟ - ... - سال تحصیلی؟ - چهارم تجربی

موقمی که شد انقلابیون وارد دبیرستان شدند، کجا بودی؟ - من در بین دانش آموزان بودم. پدر سوخته مشرف چرا دروغ می‌گویی؟ - اینها گزارشاتی است که از خود همکلاسیهات به ما گزارش شده، تو با شد انقلابیون همکاری می‌کردی. - من همکاری نکردم.

چطور ی حاج آقا "میرا" رولو دادی؟ - نه، من اینکارو نکردم و اصلا از لورفتن ایشان خبری ندارم. بازجو کابلی را بیخ گوشم آورده و با آن سرومورنم را لمس می‌کرد.

باگر اعتراض نکنی، با همین کابل لت و پارت میکنیم - من اصلا اینکارو نکردم که بتونم اعتراف کنم، هیچ خبری هم از آن ندارم. در همان لحظه پشت کت و سپس میلی محکمی خوردم. آگه جواب ندهی، زیر تعزیر به حرف میاریم ها. - من غیر از این هیچ جواب دیگری ندارم و اصلا حقیقت را گفتم.

بازجو به نفراتی که آنجا بودند گفت: " برای تعزیر آماده اش کنید، حرف خوش حالیش نیست. روی زمین دراز کشم کردند. باهايم را با دستبند به یک نگاه بستند. دو طرف او را گرفتند و باهايم را بالا کف پاهايم تا منز سرم آماده می‌یافت. باهر فریسه، کابل مثل مار دور پاهايم پیچیده و سر آن که سیمهایم بیرون زده بود، در پشت پایم فرو می‌زد. من می‌دانستم که در صورت اعتراف، حکم اعدام خود را می‌دانم. چنانکه کمترین سرخی بدست می‌آورد - ند دیگر سرا را راحت نمی‌گذاشتند. ما خود عهد کرده بودم که اگر حتی تکه تکه‌ام کنند، کوچکترین اطلاعاتی ندهم.

- "بگو بیترف، ... وگرنه می‌کشیمت" هر چه وقت بیشتری می‌گذشت آنان نیروحشی تر می‌شدند. "کمونیست بی‌دین، شد خدا، خدا شاهده کاری میکنم حقا اعداست کنند" ...

صداتان دور و دورتر می‌شد و من دیگر آنرا نمی‌شنیدم. پردی ای بی هم به رویم ریخته بودند، مرا به هوش آورد. بدین راتکان دایم متوجه شدم که دیگر کسی روی سینه‌ام نیست. هنگامی که متوجه حرکت من شدند، بازجو دوباره به سوال کردن پرداخت و من نیز همان جوابها را دادم. وی که متوجه شده بود که من روی مطالبی که عنوان کرده‌ام، تاکید می‌کنم، گفت: "باز هم شروع کنید، این حرف حالیش نیست." با همان حالت اول شروع به زدن کابل کردیم. درد آنچنان شدید بود که با هیچ کلماتی نمی‌توان به وصف نشست. کف پاهايم داشتند می‌ترکیدند.

(ادامه دارد)

خلق مسلح و سازمان یافته در ارگانهای شکست ناپذیر است

اخبار و رویدادها

برخی از رویدادهای تاریخی



در برابر تشریف ایستند
خانه را روشن می کنند
ومی میرند

شهادی فدایی
مرداد ماه

مرداد ماه

داخلی:

۱۸ مرداد ۱۲۷۵ - اعدام میرزا زهای گرمانی از مبارزین مشروطه خواه توسط درخیمان مظفرالدین شاه
۱۴ مرداد ۱۲۸۵ - امضای فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه و تحقق یکی از خواستههای مردم
۱۱ مرداد ۱۲۸۸ - اعدام آخوند ارتجاعی شیخ فضل الله توری
۳۰ مرداد ۱۳۱۴ - حمله مزدوران رژیم رضاشاه به مردم مشهد در مسجد گوهرشاد

۲۷ مرداد ۱۳۱۹ - درگذشت نقاش برجسته ایران - کمال الملک
۲۷ مرداد ۱۳۲۴ - قیام افسران خراسان
۳۰ مرداد ۱۳۳۰ - تصویب لایحه اختیارات دکتر مصدق در مجلس سنا

۱۲ مرداد ۱۳۳۲ - رفوادم دکتر محمد مصدق برای انحلال مجلس ارتجاع و شرکت سلیمونها نفر از مردم ایران در این رفوادم به حمایت از دکتر مصدق
۲۵ مرداد ۱۳۳۲ - شکست توطئه کودتا علیه دولت دکتر مصدق و فرار محمد رضا شاه خاش
۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - انجام کودتای تنگین امریکایی - انگلیسی علیه دولت ملی دکتر مصدق و سقوط این دولت

۲۶ مرداد ۱۳۳۲ - تیرباران تعدادی از افسران مبارز وابسته به حزب توده
۹ مرداد ۱۳۴۷ - شهادت کاندید (محمد طلماشی) (سلا واره) شاعر مبارز کردستان ایران
۲۸ مرداد ۱۳۵۷ - فاجعه آتش سوزی در سینما رکس آملان

۱ مرداد ۱۳۵۸ - انتشار اولین شماره نشریه مجاهد پس از انقلاب ۲۲ بهمن
۱۲ مرداد ۱۳۵۸ - انجام انتخابات مجلس خبرگان بجای مجلس موسسان جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی
۲۸ مرداد ۱۳۵۸ - اعلام جهاد خمینی علیه خلق کرد
۳۰ مرداد ۱۳۵۸ - اشغال دفتر مرکزی سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در تهران توسط مزدوران و چماقداران رژیم خمینی

۲ مرداد ۱۳۶۰ - آغاز کار رادیو "صدای مجاهد" در صفحه ۶

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان در امریکا و کانادا با آدرس زیر مکاتبه کنید
HOVE, YAT
P.O. BOX 2891
RESTON, VA 22090
U.S.A

برای دریافت نبرد خلق و سایر انتشارات سازمان با آدرس زیر مکاتبه کنید

F. ASSELIN
B.P. 311
75229 PARIS
CEDEX 05
FRANCE

پارلمان جدید اتحاد شوروی طی آخرین نشست خود که در ماه گذشته برگزار شد خواستار تسریع در تدوین قانون اساسی جدید در اتحاد شوروی شد. بنا به نوشته مطبوعات و خبرگزاریها، در این خواست، تصریح بر این امر شد که باید تجربیات ساختمان سوسیالیسم و موازین بازسازی نوین در تدوین قانون اساسی جدید مورد توجه قرار گیرد.

اندره گرومیکو، رئیس جمهور سابق اتحاد شوروی و یکی از شخصیت های سرشناس جهان که مدت ۳۰ سال در مقامات بالای اتحاد شوروی و مخصوص در بخش روابط بین المللی فعالیت می کرد در سن ۷۶ سالگی در ۲ ژوئیه امسال درگذشت. بمناسبت درگذشت او میخائیل گورباچف در جلسه پارلمان شوروی یک دقیقه سکوت اعلام نمود.

گسترش موج اعدامها در چین، اعتراض عمومی و محکومیت محافل اجتماعی، احزاب و دولتهای مختلف را برانگیخت. طی ماه گذشته تعداد زیادی از فعالین جنبش دمکراتیک در چین به اتهام "فعالیت ضد انقلابی" محاکمه و اعدام شده اند. این اقدام دولت چین همراه با تغییراتی که در رهبری حزب کمونیست چین اتفاق افتاد، نشان می دهد که جناح تندگ شیائوپینگ در رهبری چین، نمی خواهد با مشکلات و مسائل مردم چین بطور واقعی برخورد نماید و بنا بر این به اقدامات سرکوبگرانه که تحت هیچ عنوان قابل توجیه نیست برای جلوگیری از گسترش جنبش عمومی مردم که ناشی از مسائل مبتلا به مردم چین است متوسل خواهد شد. ضمن محکومیت اعدام ها و اقدامات سرکوبگرانه دولت چین، تردیدی نداریم که مبارزه برای سوسیالیسم علیرغم مشکلات و پیچیدگیها و خطراتی که در مسیر خود دارد، راهی است که همچنان به پیش خواهد رفت.

هفته نامه الدستور چاپ لندن در شماره روز ۲۵ تیر امسال (۲۶ ژوئن ۸۹) نوشته: صلاح المختار مدیر کل تبلیغات وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق گزارشی را که در هفته نامه "الدستور" مورخ ۱۲ ژوئن (۲۲ خرداد) مبنی بر اینکه عراق تصمیم به متوقف نمودن فعالیت های "مجاهدین خلق" در خاک خود گرفته است را تکذیب کرد. مسئول عراقی گفت: "از سوی وزارت فرهنگ و تبلیغات عراق این خبر را قاطعانه تکذیب می کنیم. هیچ فشاری از جانب عراق بر مجاهدین خلق اعمال نشده است و عراقی استقلال مجاهدین خلق را محترم می شمارد و در امورشان دخالت نمی کند. و هر آنچه که از وجود فشار عراق بر آنها گفته میشود، اخبار غیر صحیح و غیر دقیق بوده و عاری از صحت است."
در صفحه ۳

در تکمیل روتوزیع آنتار سازمان بکوشید

رفقای فدایی: زمین العابدین رشتچی - غلامرضا بانزاد - حسین الهیاری - محمد صفاری آشتیانی - عباس جمشیدی رودباری - داریوش شفاعیان - عباسعلی شریفیان - قدرت الله شاهین سخن - فرزاد میامی عبدالکریم عبدالله پور - فرامرز شریفی - فرخ سپهری - مهدی فضیلت کلام - مهدی یوسفی - حسن کیل - ابراهیم جلالی - فیروز صغیتی - ونداد ایمانی گودرز همدانی - جهانیش یاداری - جمیل اکبری آذر - جمشید پور قاسمی - مرتضی (امیر) قاطعی بیژن مجنون - هادی حسین زاده کرمانی - زهرا فرمانبردار - عظیم سرعتی - مسعود جعفر پور فردین شافعی - جواد کاشی - یوسف کیشی زاده احمد زبیرم - سعید میر شکاری - هرمز گرجی بیانی - ابوالقاسم رشوند سرداری، از سال ۵۰ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع بدست مزدوران رژیمهای شاه و خمینی شهادت رسیدند، یادشان گرامی باد.



مردم ایران رژیم خمینی در میادله اسرای جنگی، به اشکال مختلف کار شکنی می کند، با مبارزه متحد و یکپارچه خود، رژیم خمینی را مجبور به قبول میادله کامل اسرای جنگی بنمائید.
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
ص ۲ - ص ۳
پیرو برنامه (هویت)

با کمک های مالی خود سازمان را در انجام وظایف انقلابی یاری رسانید

هم میهنان مبارز سازمان ما برای گسترش مبارزه مسلحانه انقلابی علیه رژیم خمینی به کمک های مالی شما نیازمند است.
کمک های مالی خود را به هر میزان که باشد، با مستقیماً بدست ما برسانید و یا به حساب بانکی سازمان مندرج در همین صفحه نشریه واریز کرده و قبض رسید و یا فتوکپی آنرا به آدرس صندوق پستی سازمان در فرانسه ارسال دارید.

حساب بانکی جدید

SOCIÉTÉ GÉNÉRALE
BOULOGNE - S - SEINE
آدرس بانک
03760 کد گیشه
00050097851 شماره حساب
MME: R-T-TALAT نام صاحب حساب

زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم